

ایران آزاد

نشریه

میهمانی ایران در اروپا

شماره ۳۵ دوره جدید - آبان ۱۳۶۳

(شماره مسلسل ۱۳۱)

گامی بزرگ بسوی نابودی

چهار سال از آغاز جنگ خانمانسوز ویرانگر بین عراق و ایران میگذرد. در عرض این چهار سال صدها هزار از هم میهنان ما کشته و غلیل شده اند، بخش بزرگی از میهن ما ویران گشته و فقر و بیخانی نامی گریبا نگیر میلیونها هم وطن ما گردیده است. با این وجود هنوز هم فرجام این جنگ بیپایه و جهنمی پیدانست و از قرائع معلوم حکام جمهوری اسلامی میکوشد تا با قربانی کردن مجدد هزارها جوان و میلیونها دلار از ثروت ملی به توهمات خود ابر برسد و انقلاب اسلامی به کشور های مسلمان همچو ارجامه عمل بپوشاند. این گفته درست است که جنگ ادامه سیاست در اشکال و با ابزار دیگری است ولی به سیاستهایی که فقط بر پایه اوام و بر پایه گشاده اندوختن را بخاک و خون میکشند نباید حق حیات اجتماعی داد، بلکه باید با حقایقیتی که از حق طبیعی شهروندی سرچشمه میگیرد، با آنها بمباران برداخت و به زباله دان تاریخشان ریخت. البته این امر نباید با مانع اندر برخی ها که رویشان بر ما به گذاری شده میشود (از سخنان طارق عزیز) بر آن دارد که گوییم هوا پیمای جنگنده ارتش ایران را با تمام اطلاعات نظامی دزدیده و در اختیار دشمن قرار دهیم و آب تظہیر روی دست آغز گرومها چ اول این جنگ یعنی رژیم صدام حسین بریزیم و فراموش کنیم که انگیزه اصلی حمله عراق به ایران همانا به تحقق در آوردن آزادی دیربسی ناسیونالیسم عراقی یعنی تجزیه بخشی از خاک ایران و الحاق آن بخاک عراق بوده و تحریکات رژیم اسلامی ایران بظا هر فرصت مناسبی برای اجرای این خواست بدست داده است. ولی از هنگامیکه نیروهای متجاوز عراقی از بخش بزرگی از خاک ایران را زده شده و مجبور بدفاع از خاک خود تنبیز گردیده اند، نیروهای ایرانی عملا و اخلاقا از بویسیون دفاعی خارج گشته اند اما این حالت را که با خسارات جانی و مالی بزرگ و جبران ناپذیری همراه است نمیتوان بهیچ وجه توجیه کرد. روشن نگه داشتن آتش جنگ از هنگامیکه این بحالت پایت در آمده است عملا بسودا بر قدرتها و دیگر کشور های فرو شده اسلحه و مهمات است.

جشن مهرگان

درباره ای اقوام آریایی و بویژه ایرانیان باستان اندیشه هایی بس زرف نهفته است که بروی بسیاری از آئینها و ادیان دوران بعد بدون تاثیر نبوده اند. آنها از چنان فلسفه نیرو مند و حیات بخشی برخوردار بودند که دست تظاول تاریخ و هیچکدام از تحولات بزرگ نتوانست ریشه اش را بکلی بخشکاند، تا بدد چنان کمتر ملتیی را بتوان یافت که در طول تاریخ زندگی خود این چنین و خنیا نه مورد تنباج بیگانگان قرار گرفته باشد و با زهم سرفرازی ریشه به حفظ فرهنگ خود کوشیده باشد. ملت ایران نه تنها فرهنگ خود را تا اندازه زیادی حفظ نمود، بلکه آنرا نیز به میا جمعی که این کشور را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند، تحمیل کرد. بقیه در صفحه ۲

گزارش هفتمین

کنگره ج.م.ا. در اروپا

هفتمین کنگره جنبه ملی ایران در اروپا در روزهای ۲۴ و ۲۵ شهریور ۱۳۶۳ برابر با ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ در کلن (آلمان غربی) برگزار گردیده. در سال کنگره پرچم سه رنگ ایران با نشان شیرو خورشید منب شده بود و دریا نشان پرچم متعال دکتر محمد مصدق ابر مرد تاریخ مسازرات آزا دیخوا هی و غذا ستبدا دی و غذا میربا لیستی ملت ایران بچشم مخورده.

کنگره بعد از خوانده شدن سرود ملی ایران توسط اعضا و یک دقیقه سکوت بیس احترام به جانب خنگان راه آزادی و استقلال کشور، با رسیدگی به اعتبار نامه های نمایندگان و انتخاب هیئت رئیسه کار خود را آغاز کرد. بقیه در صفحه ۲

بچه ها متشکریم

بررسی اعلامیه شورای ملی مقاومت در رابطه با نامه های آقای دکتر مدنی به خمینی و فرستاجی

وبه راستی که با بیستی از شیوه کار و شیوه برخورد بسرو بچه های سازمان مجاهدین خلق و سر دسته آنها بخصوص در این دوسه سال اخیر متشکر بودیم. چه اگر بیشتر آنگه اینان بتوانند اقتدار حکومتی را در ایران بدست آورند، خود را بخوبی به توده های مردم میهن ما نشانانیدند. هر چند خمینی در کتابش با عنوان " نامه امام موسوی کاشف الغطاء " که دیگر در باره شیخال ۱۳۵۷ شمسی به آسانی در شهران بدست میآید همه آنچه پس از رسیدن بقدرت پیاده کرده گفته بود، اما واقعتا این است که در آستانه انقلاب بهمن، شخصیت خمینی و پدیده خمینیسم برای اکثریت مردم کشور و حتی مناسفانه برای بسیاری از دست اندرکاران مسائل سیاسی و اجتماعی مملکت ناشناخته مانده بود. ما هها طول کشید تا خلیفه گیری ولایت فقیه با کارهای روزانه خود رفته رفته نقاب از چهره کشید و تمامی حاکمیت خونخوار فاشانی و ویرانگر خویش را عیان ساخت. بقیه در صفحه ۵

گمان می رود... شاید

شایع است... گویا

با رد دیگر توپخانه سازمان مجاهدین کلوله های تهمت و ناسزا بسوی یکی دیگر از روشنفکران خارج از کشور پرتاب کرد. اگر در گذشته نه چندان دور دستگاہی اطلاعاتی این سازمان با رنج و منتقت فراوان با کشف نام فرنگی افراد دلیل کافی برای هتک حرمت آنها و نواختن تهنیتور تبلیغاتی خویش خوراک برای ادغان ساده طرفداران خود داشتند، امروز این سازمان منتظر کار ریجیده دستگاہ های تبلیغاتی خود نشده و با یکا بر بردن کلماتی چون شایع است... و گویا... به آقای دکتر کا توپان بشیوه اسلامی آنها از نوع دموکراتیک آن آنها میزند و بدون ارأشه کوچکترین مدرک و شاهدی وی را همکار ساواک معرفی می نماید. اتحاد این شیوه برای یک سازمان پوپولیستی با پیشا اقتدارگرا نه یک تضاد، بلکه بر پایه جهان بینی و فرهنگ مختص این گونه سازمانها، وسیله ای برای دفاع و حفظ موجودیت سازمان و جلوگیری از پاشیدگی آن است. بقیه در صفحه ۳

در این شماره

- * بیامهای رسیده به کنگره ج.م.ا. ایران در اروپا
- * جای زنان ملی در کنترار مردان ملی خالیست
- * از میان آنچه که بمسندوق پستی ما رسیده است
- * ایران آزاد و خوانندگان

دروغ بتاریخ،

داوری تاریخ

نوشته زیر شش هفته پیش برای نشریه جنبه ارسال گردیده. متاسفانه از آنجا که مشکل مالی این نشریه را نیز در حضور افراد و نیروهای آزا دیخواه و دموکرات که منتظر معجزه آسمانی برای نجات نشریات ملی هستند از بیای انداخته و تا با امروز تا نشان رجعدنیافته است، ایران آزاد بعلت مهم بودن مطلب و روشن شدن گوشه ای از تاریخ سیاسی مردم ایران به انتشار آن اقدام میوزده در شماره هفتاد و چهارم نشریه محترم جنبه مقاله ای با سر نویسی " طالقانی و سیام تیر " بقلم یکی از مشاوران حضرت آیت الله طالقانی درج شده است که هدف نوشته قلب و اقیعبات و تظہیر عملکرد آن دسته از نیروها و جریانات سیاسی است که دانسته و یا ندانسته آب به آسیا با رتجاع ریختند و قدم بقدم با خود محوری بیستی ابتدائی ترین حقوق افراد و آزمانهای سیاسی را زیر پای گذاشتند. بسرای اینجانب همواره این سؤال مطرح بوده و هست که چه زمانی افراد و جریانات مختلف سیاسی که دشمنی در انقلاب داشتند و هر یک بگونه ای بقدری ربا و اشتباهات خود به ارتجاع حاکم در انحراف انقلاب سپهوا و عداک مملکت رسانند، بر سر عقل میآیند و بدور از تعصبات مملکتی و سازمانی وبه نیت روشن شدن آن برهه ای از تاریخ مردم این مرز و بوم و برای خدمت به نسل آینده در تشخیص سره از ناسر و جلوگیری از لغزشها و خطاهای آتی به بررسی علل و ریشه های اشتباهات خود میپردازند. بقیه در صفحه ۷

کدام قانون اساسی؟

کدام سلطنت مشروطه؟

در بخش اول این نوشته استدلال کردیم که قانون اساسی بدلیل زیر فاقد اعتبار ملی و ارزش حقوقی بوده و قابل استغاده و استناد نیست:

اول - بدلیل تعددیات و تجا وزات مکرر شاه نسبت به ارکان اساسی مشروطیت در سه مجلس موسسان دست نشانده او.

دوم - بدلیل قیام و اقدام اکثریت با تفاق ملت ایران.

سوم - بدلیل اشکالات و نسیامات و آشفتگیهای دامنگیر قانون - معایب حقوقی بسیار - نارسائیه - نامین و تضمین ولایت فقیه.

گفتیم که پایگاه قانون اساسی برای نجات ایران برخلاف تصور عده ای از هموطنان با بیگانه مطمئن و قابل قبول ملی نیست و نخواهد بود. بقیه در صفحه ۴

نامه آقای دکتر کا توپان به نشریه مجاهد

پاریس - سردبیر نشریه مجاهد آقای عزیز،

در شماره اول شهریور ما ۱۳۶۳ مجاهد، در مقاله ای زیر عنوان " روزنامه ضد ملی جنبه در شرف تعطیل " بنده را نیز مشمول عنایات خود ساخته اید. بنده درباره نظریات شما و شیوه خاص ابراز آن جوابی ندارم و قضاوت در باره آنرا به دست زمان خواهم سپرد. اما در یک مورد ظاهرا دچار اشتباهی شده اید که لازم میدانم برای اطلاع خوانندگان شما به اختصار درباره آن توضیح دهم. بقیه در صفحه ۳

2-DM) Austria: 131 Gajstun... 18 N.F. France: 4.00 F. Germany: 2.00 D.M. Great Britain: 60 P. Italy: 40.000 Lire Netherlands: 20 Fl. Spain: 70 Ptas. Switzerland: 1.90 S.Fr. Turkey: 7.5. 80.00 U.S.A. \$1.00

بقیه از صفحه ۱

کامی بزرگ بسوی نابودی

دفاع آتشکاری روسی فیدوشرط " غرب و شرق " از دولت عراق بدرستی نشان میدهد که ابرقدرتها و دیگر کشورهای ذینفع در این جنگ ، شکست رژیم صدام حسین را پذیرا نیستند و در واقع خواهان ادامه این حالت فرساینده برای هر دو طرف میباشند . حکام دیکتاتور عراق و ایران دانسته یا ندانسته بکارگزاران سیاست ضعیف و وابسته کردن مردم کشورهای خود را بالقوه قادر به استقلال نسبی میباشند ، گردیده اند ، با در نظر گرفتن حقیقت بالا چه مضحک و در عین حال مرگ آور آن تصور استی هستند که امید تغییر اساسی در وضع فعلی جنگ را در بر دارند . نگاهی به نشریات رسمی و تبیین رسمی رژیم اسلامی ایران در " هفته جنگ " گواه امر بالاست . آن گفته رئیس مجلس اسلامی که " ما اگر یک کام بزرگ برداریم و وسط خاک عراق خسته کنیم " خواننده را بی اختیار بیاد گالیپول آن قهرمان خیالی میاندازد که در روزهای کودولوها کام بر میدارند ، بدیهی است که رنجنا نسی در باره اینکه این " کام " بقیعت جان چندین هزار جوان ایرانی تمام خواهد شد سخی نمیراند و مانند نخست وزیر موسوی خواهان " حذف حزب بعث عراق " میگردد . سیاستی که " تنها شرط صلح را " حذف رژیم متجاوز عراق " میداند و " با وجود رژیم مذکور هیچ صلحی را در منطقه برقرار " نمی بیند ، سیاستی ماجراجویانه و غیر مسئول میباشند و بسیار امیدبخش نیستند که با تهدیدهای تبلیغاتی " بهمه مستکبران و مرتجعان " به نتیجه ای برسد . تا زمانی که رژیم اسلامی حاکم بر ایران و در رأس روحانیت ارتجاعی تنها به خود میاندیشد و کوچکترین توجهی به منافع ملی ایران ندارد و تا زمانی که ابرقدرتها و کشورهای فروشنده تجهیزات نظامی به منافع خویش می اندیشند و تمایلی برای خاتم این جنگ نشان نمیدهند ، این جنگ چون بلائی آسمانی بنظر میرسد که سر نوشتش خارج از خواست و اراده ملت ایران میباشد . نگوئیم تا با افشگری هر چه بیشتر ، این جومرگ آور را بشکنیم و گامی هر چند کوچک در راه یک صلح عادلانه و قابل پذیرش برای ملت جنگزده و ستمدیده ایران برداریم .

پیام آقای حسن نرینه به

هفتمین کنگره ج.م.ا. در اروپا

تشکیل هفتمین کنگره جبهه ملی ایران در اروپا را تبریک گفته و موفقیت اعلا آرزو در اجرای مطلوب دستور کنگره میمانم آرزو میکنم .

جای کمال خوشبختی است که جبهه ملی ایران در اروپا هویت و فعالیت جبهه ملی را با ادامه راه بنیان گزار آن دکتر مصدق از یکدانشیان و تعطیل محفوظ دانسته است . با عنایت به چنین سابقه افتخار آمیز میتوان انتظار داشت که جبهه ملی ایران در اروپا سهم بزرگ خود را در مبارزه علیه رژیم غاصب ایران در کنار سایر سازمان های اسیل ملی با تلاش و جهاد بیشتر ایفا کند . ملیون ایران بطور کلی و جبهه ملی ایران در اروپا خصوصاً در اوضاع مصیبت بار حاکم بر کشورمان وظایف خطیری بر عهده دارند . در شرایطی که چهل ملیون هموطن ما در اسارت رژیم صفاک ولایت فقیه از تمام حقوق حیاتی و اساسی خود محروم شده اند ، در شرایطی که اپوزیسیون جبهه افراطی و راست افراطی در اندیشه تحمیل نظامی از پیش ساخته خود به ملت ایران هستند ، در شرایطی که دول بزرگ صنعتی برای تأمین هر چه بیشتر منافع اقتصادی به گسترش و تحکیم روابط بازرگانی با جمهوری اسلامی میکوشند و بعضی از آنها نظیر کشور آلمان در صدد برآمدن رژیم را از بیست و انزوی بین المللی خارج کنند ، که نتیجه قهری آن ادامه اسارت ملت ایران برای مدت بیشتری خواهد

گزارش هفتمین

کنگره ج.م.ا. در اروپا

سین پیامهای رسیده به کنگره که متن کامل آنها در این شماره درج شده است قرائت گردید و هیئت اجرائیه گزارش کارگردیکانه و سیاسی خود را تقدیم کنیگره کرد . در گزارش اول که کارکرد یکساله دوا بر مختلف از جمله تشکیلات ، انتشارات و ارتباطات و مالی را در بر میگرفته چشم انداز روشن از یک حرکت و فعالیت رشدیابنده بخوبی محسوس بود . فعالیتها یکساله گذشته سازمان برای احیا و همکساری و همکامی شخصیتها و سازمانها و افراد ملی ، انتشار مرتب نشریه سازمان ، برگزاری دوجنس و اقبال و استقبال مردم از آن و در نتیجه کمک مالی و معنوی آنها سازمان که در چند سال اخیر از نظر کمیت و کیفیت بینظیر بوده است ، روش کار هیئت اجرائیه گذشته را تشکیل میداد .

در گزارش سیاسی هیئت اجرائیه آمده است که " ... مشکلات و بحرانهای اقتصادی ، اجتماعی ، بهداشتی و فرهنگی که معمولاً مام کشورهای جهان سوم گرفتار آنها میباشند ، همراه با مسئله جنگ بوخامت و طاع در ایران افزوده و سبب بالا گرفتن هر چه بیشتر نا رضایتی مردم گردیده است . با وجود آنکه سردمداران رژیم دیگر بارای بسیج مردم و ادامه جنگ بشدت گذشته را ندارد ، نمیتوان ادعا نمود که رژیم در تمام امور با شکست مواجه شده است . در بخش اقتصاد رژیم موفق گردیده است که روابط اقتصادی و تاحدی سیاسی خود را با دنیا با خارج و بیوسهزه دنیا با غرب توسعه دهد . و از آنجا شیکه برای دنیا با غرب بسیاری از مسائل تنها از دید اقتصاد قابل طرح و توجیه میباشد ، گسترش روابط بازرگانی عملاً به تحکیم روابط بطور کلی و تثبیت نسبی رژیم منتهی میشود . ولی بهر حال بیماری و خمینی و احتمالاً مرگش برای ایران شرایط جدیدی را نوسید میدهد و بدین خاطر نیز جناحهای مختلف رژیم - و اپوزیسیون خود را آماده رویدادهای پس از مرگ خمینی مینمایند . "

در بخش دیگری از این گزارش آمده است " ... برخورد ما نمیتوان بخشی از نیروهای دموکرات و ملی به رژیم خمینی در شرایط سیاسی فعلی با بد صریح ، دقیق و اصولی باشد . خط مشی جبهه ملی ایران در اروپا حاصل حرکتی است برای ایرانی آزاد ، و استقرار نظام جمهوری برای ایران که در جوهر خویش با هرگونه جریان سیاسی که در جهت تشبیه احتمالاً رژیم خمینی کام بردارده مخالفت است . بنا بر این نیروهای ملی که متفقد استغراق کمیت ملی و جدائی دین از حکومت و برقراری نظام جمهوری ملی و مردمی در جهت احیای خواستهای اولیه انقلاب میباشد ، با یستی تمامی معای خود را در تحقق اهداف جنش ملی و آزادیخواهان بکار گیرند و از هرگونه اقدامی که در جهت

بودنا گفته پیدا است که مسئولیت ملیون و سازمانهای ملی و مردمی سنگینتر از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر ایران است . توجه باین مسئولیت عظیم ملی مستلزم رفع سریع تفرقه و اختلافات برای تأمین وحدت و همبستگی و همکامی مورد انتظار ملت ایران است . جبهه ملی ایران در اروپا که در تعقیب برنامه " ائتلاف وسیع ملی " و مصوبات کنگره پنجم میتواند و باید کمال مجاهدت را در تنبیل بوحدت افراد و سازمانهای ملی بکار بندد .

فعالیتهای رفائلیتبخش جبهه ملی ایران در اروپا و خصوصاً در مورد نشریه ایران آزاد و همکاری میمانم در تدارک دوگرد همآشی بیسابقه در کلک منشا امیدها و انتظارات بیشتری شده است . امیدواریم انتظار اینکه " خلا ملی " در اپوزیسیون ایران از بین برود و جناح ملیون که از عنایت و حمایت وسیع ملت ایران برخوردار است در طریق براندازی رژیم حاکم و استقرار حاکمیت ملی در غالب نظام جمهوری ایران (نظام منصوب مجلس موسسان و نه پیش ساخته و تحمیلی) مقام شایسته خود را در اپوزیسیون احراز نماید .

پاریس ۲۲ شهریور ۱۳۴۳

تداوم حاکمیت ولایت فقیه و نظام خونخوار جمهوری اسلامی که جذا از خواست مردم ایران است ، اجتناب جویند . با وجود اینها یعنی که گویا جناحهای در رژیم خمینی ماسل به تبدیل دیشویه حکومت هستند تا کنون هیچگونه نشانه ای در این زمینه دیده نشده است و تشکله و فشار و ارباب و سرکوب مردم همچنان ادامه دارد . طبق آخرین اطلاعات رسیده رژیم جمهوری اسلامی جبهه های ای پیرا از جمله ابولفضل قاسمی را که سرخشانه بر سر آرمایهای خود ایستاده اند برای ترتیب دادن مصالحه های تلویزیونی بر زیر تشکله کشیده است . تا زمانی که ملیونی ما نتواند با و پارسا در زندان بر سر میز و تشکله میبوند ، تبدیل دیشویه حکومت ما نوری بر ما نشان ندهد و مبارزه رود رو با رژیم هم چنان در دستور کار ما قرار خواهد داشت . "

در پایان گزارش هیئت اجرائیه تحلیل خود را از گرفتار قدرت سیاسی بدینگونه ارائه میدهد : " ... مسئله گرفتن قدرت حکومتی بعنوان یک اصل کار سیاسی جدی برای سازمان ما بقوت خویش باقی است . اما از آنجا که هیچ سازمانی به تنهایی قادر به حل مشکلات ایران نیست ، کوشیده ایم که با همکاری و همکامی با دیگر نیروها و شخصیتها و افراد ملی ، مستقل و دموکرات مجتمع در بیانها تا زده ام از درگاه حاضرین گزارش درین مذهب و مسلک و پذیرش پلورالیسم مثبت سیاسی هستند ، نالوده اتحاد اصولی را بر رژیم . چنین اتحادی که در برگیرنده تمامی سازمانها شخصیتها و افراد ملی و آرا دخواه میباشد میتواند دبه احیای فعالیت و تقویت کار جبهه های که از اهداف جبهه ملی ایران بوده است ، بیانجامد . " بعد از گزارش و طرح پرسشها و بحث معمل در باره بخشهای مختلف آن ، کنگره با تفایق آرا گزارش هیئت اجرائیه را تصویب نمود و سپس با تصویب قطعنامه انتخاب هیئت اجرائیه جدید ، پس از ۲۵ ساعت بحث و گفتگو بکار خود پایان داد .

" قطعنامه "

جبهه ملی ایران در اروپا سازمانی است مستقل که برای مشکل ایران در کلیت و امکانات گوناگون آن خواهد راه حل سیاسی است و نقطه نظرات و مواضع خود را کسه در دستور سازمان منعکس شده است از طریق اعلامیه و بیانیه های رسمی با اطلاع همگان رسانیده و میرساند .

جبهه ملی ایران در اروپا با همه احتراماتیکه به شخصیتها ی ملی میگذارد و با احترام بقدموکراتیک هر یک از شخصیتها و سازمانهای ملی در انتخاب شیوه های گوناگون مبارزه ، تنها از آن بخش از مواضع و استکارات و فعالیتها ی آنان پشتیبانی میکند که منطبق با مواضع جبهه ملی ایران در اروپا و ارزشهای تصریح شده در آن مانند آزادی ، حاکمیت ملی و جدائی دین از حکومت باشد . بدیهی است مسئولیت داشته ها و استکارات شخصیتها و سازمانهای گوناگون که بدون اطلاع ، مشورت و همکامی و همگامی مشترک با جبهه ملی ایران در اروپا صورت گرفته باشد تمامی عهده خودتان خواهد بود .

بقیه از صفحه ۱ جشن مهرگان

تربین و حساسترین دوران تاریخ خود که معرفت فرهنگی این سرزمین کهنسال گزند و آسیب ببیند ، با تلاش و کوششی بینظیر بیباکداری از میراث نیاکان خود سراغ ستند و بساز هم جشنهایی چون نوروز ، سده و مهرگان را بشیوه کهنی برگزار میکنند . یکی از ابعاب دانش گانه ایرانیان پاستانی که هنوز پس از گذشت قرون نامش برای ما آشنا است ، جشن مهرگان است . ایرانیان این روز را که برابر با نوزدهم مهرماه ، که هم نام هسین ماه از سال میباشد ، با تگویی هر چه تما مترجش میکنند . در افسانه های آفرینش رایج در بین اقوام آریایی پاستان آمده است که : آفریدگار در این روز انسان را بدینا فرید و حیوان را بیبا فرید و روان خود را در کالبد آنان بدید و بیبا آنها نیروی زندگی بخشید . مهر - میترا - مت - یکی از فرشتگان آسزدی بوده که وی را هدنده پیروزی و نیگهدارشان و چراگاه میدانسته اند . او مظهر نور و روشنائی ، نماینده دوستی و بیعان بوده است . مهر گوید : " ای آفریدگار نیک کنش ، من پشتیبان همه آفریدگانم ، من نگاهبان همه آفریدگانم . اگر مردمان در تنبایش خویش نام مرا ببردند و ستایند ، من با زندگی درختان و جاودانه خویش ، به هنگامیکه پیمان رفته باشد ، فرا خواهم رسید و برابر مردمان پاک نمایان خواهم شد . " این است راز جاودانه شدن آتشهایی مانند مهرگان ، این جشن ملی ایرانیان ، زیرا مهرکی است که برای گسترش دین راستین ، خود را در همه جا نمایان کرد و جایگزین شوفروغ خویش را به هفت کشور بنا نید .

آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی

بقیه از صفحه ۱

گمان می رود... شاید... شایع است... گویا

عقیده در سازمان مجاهدین خلق محور و معیاری است که کلیه پدیده ها و ارزشها در ترازوی آن ارزیابی و حکم کلی درباره آنان داده میشود. بنا بر این تبلیغ عقیده و جلوه دادن آن بصورت حقیقت مطلق از وظایف اصلی رهبری سازمان است. برای کلیه وابستگان به سازمان نه تنها آرمانها و اسطوره های مذهبی، بلکه خود سازمان و شیوه ها و تکنیکهای آن نیز بصورت حقایق انکارناپذیر جلوه داده شده است. بهمین جهت بحسب درباره صحت و نطم آن باورها و روشها بدلیل وابستگی افراد بنقیده از یک سو و فرهنگ سطحی حاکم بر سازمانهای زیرزمینی ارسوی دیگر، بحث زائده ای است که بی آمدن آن تعریف پایه های ایمان و ولایتی سازمان است. عقیده ای که مطلق بودن حقیقتش بیرواستگان آن مشتبه شده بار سنگینی را در حفظ و توجیه خود به عهده آنان گذاشته است. هراستفادیه ایدئولوژی سازمان، (اسلام راستین) بشیوه مبارزه، (جنگ چریکی و آشوب مسلحانه) و بالاخره به چند سازمان وفرد که بنام شورای ملی مقاومت فعالیت میکنند و برعکس آنان تنها آلترنا تیف ممکن برای جانشینی رژیم خمینی هستند، استفاده گویانده که چون تلاق بر پیگیری وابستگان به سازمان می بینید. و گویا آنانرا میغذارد. رهائی از این درد و غدا با رژیم بردن عامل آن در دمی منتقد است که چگونگی آن بستگی به موقعیت سازمان دارد. در موضع قدرت وجود سپاه قتل با توطئه و ترور و در موضع ضعف زمانیکه سازمان قادر به حل مسئله از طریق روشها شدیدا براه نگری، تهمت و ناسزا و هتک حرمت سیاسی، منتقدان آزادی در می آورد.

تکیه بر زور و حذف میریکی و دست زدن به تشییحات گوناگون برای بی اعتبار کردن مخالفین حتما نایستی علیه مخالفان در خارج از سازمان صورت گیرد. در درون نیز بدلیل فقدان فضای دموکراتیک و بستگی افراد به عقیده و ترس و خراب از ترس عقیده و بی آمدن گویا و رومانات بعدی آن، مخالفتها و جبهه گیریها علیه مثنی و ایدئولوژی سازمان از طریق تشکیل دستبندیهای مخفی در شکم سازمان عملی میشود که فرجام کار درگیری خونین بین طرفین محاصم است. از این نظر آنچه در درون سازمان در سالهای قبل از انقلاب بین شقی شهرام و ممدیه لیباف و شریف و تقی اتفاق افتاد يك عمل فردی و مجرد و برپا به تصادف نبود، بلکه فرجام منطقی روابطی بود که از ساختار ذهنی غالب بر سازمان منتق شده بود.

جالب است سازمانیکه از دل مجاهدین بیرون آمد با قبول ساختار ذهنی و عناصر مقوام دهنده آنان تنها محتوای جهان بینی را حذف کرد. سازمان بیکار با حفظ استروکتور ذهنی کهنه و تمسبه عناصر ایدئولوژیک. در آن با صلاح خود تفسیر ایدئولوژیک داد و خدا و کعبه را از کعبه بکوبید. هاله نورانی و تقدس را از دور محمد بدولتین کشید و پرچم سبز محمدی را با پرچم سرخ کمونیستی تمویض کرد و با طاعت بی چون چرا از او امر محمد را که کلام خدا بود با طاعت از رهنمودهای حزب پیشا هنگ ناخت زد. و ایدئولوژی نویسی را بجای ایدئولوژی کهنه که وابستگان بآن با شدت و حرارت بیشتری به مطلق بودنش امر میوزیدند، نشاند و از آنجا که دویا دناه در یک اقلیم نتوانند بیروت، دو حقیقت دوا ایدئولوژی مطلق نیز در یک سازمان امکان کنار آمدن با یکدیگر را نخواهد داشت و لاجرم یکی زدو ایدئولوژی میبایست بشفح حریف میدان را خالی مینمود و دوا لیبته که بیرون کردن آن جز از طریق زور امکان پذیر نبوده فاجعه ای که بدست تقی شهرام و همکارانش یعنی جناح تغییر سبز ایدئولوژیک داده صورت گرفت، و از آنجا بولسودادن همکاران گذشته شروع و تا شکنجه و قتل آنان ادامه یافت. میتوانست توسط جناح دیگر با همین مدت صورت گیرد. چرا که اینطور عقیدتی و ساختار ذهنی هر دو جناح بگانه و مشترک بود. بنقیده ما محتوای جهان بینی و عناصر ایدئولوژیک سازمان مجاهدین صرف نظرا ریمعی در یافت های لیبته است. استالینی همان محتوای پیش رژیم خمینی است. آنجا امت را برای امام و ولایت فقیه بمیدان می آورد و بنا بر این طرفداران را برای مسعودجوی و سازمان مجاهدین خلق، آنجا توپا و گان را که با یستی در عالم کودتا که خود سیر کنند بنام طرفداران مجاهد، به جوخه اعدام میسپارند، و اینجا با سادار و بیسجیم و علاف و دکاندار، تحت نام خیرچین و جاسوس و بعنوان بریدن انگشتان دست رژیم طعمه ترور

کور میشوند. آنجا دسته دسته کودکان برای اسلام و صدور انقلاب در میدانهای مین گذاری شده مثل می شوند و اینجا برای بگوش در آوردن آسیاب تبلیغاتی سازمان که بخون این کودکان نابالغ میچرخد، برای يك نبردنا برار علیه رژیم تحریک و گسیل میشوند. آنجا هرگونه اعتراض بر رژیم و اعاده حقوق و حیثیت انسانی شتاب خطرناک ببار می آورد و اینجا هرگونه اشتفادیه تنها آلترنا تیفها افترا و توهین و ناسزا و هتک حرمت سیاسی همراه است.

با در نظر گرفتن یگانگی ساختار ذهنی و محتوای بینش رژیم خمینی با سازمان مجاهدین خلق و استفاده هر دو از مغفولاتی چون شهادت و اسلام مکتبی و راستین و اسلوب مشترک آنها علیه مخالفین که منتهی از اعتقادیه حقا نیست ایدئولوژیک است، تنها مرز شفا قسی یعنی دستیابی به قدرت برای یکی و حفظ قدرت برای دیگری این دورا ایدئوژیک جدا ساخته است. مغفولاتی چون آزادی، دموکراسی، حق حاکمیت ملی، استقلال و اسلام راستین و دروغین، همه دارای تفسیر و معنای خاص خود بوده که در چرخه رچوب خدمت به ایدئولوژی تعریف میشوند و در خدمت حفظ دستبندی به قدرت مورد استفاده قرار میگیرند.

محاکمه امروز آقای کاتوزیان دردادگان مجاهدین خلق بخشی از سیاست این سازمان است که بعضی ها بملط آنرا يك عارفه توصیف کرده اند در صورتیکه همانگونه که در بالا مختصرا اشاره شد این تشییحات را نمیتوان از مجموعه بافت ذهنی و سازمانی جدا داشت و انتظار داشت که ایس اقدامات ضد اخلاقی پایان پذیرد. آنچه ما را به نوشتن این سطور ناگزیر کرد برش از روشنگرانیست که در گذشته آنجا که حقوق و حیثیت انسانی خدشه دار میشد، بدرستی و در جدا مکانات خود بر رژیم شاه اعتراض کردند و امروز در مقام صاحب يك رای در شورای مقاومت از اعتراض به هتاکسی و فحش و ناسزا به کسانی که گذشته سیاسی اشان غرور و حیثیت آنانرا تشکیل میدهد، لب فرو بسته و نظاره گری تماشا تشییحات سازمان مجاهدین خلق شده اند. شما که در آن زمان برای ارزشهای معتبرا نسانی و اخلاقی مبارزه کردید، امروز در کنار مجاهدین برای کدام ارزش مبارزه میکنید؟ آیا سپاه قتل احتیاج به قاضی المصکرا داشته شما این نقش را پذیرفته اید؟ امیدما آنست که پاسخ همه ایس پرسشها منفی باشد.

بقیه از صفحه ۱

نامه آقای دکتر کاتوزیان به نشریه مجاهد

نوشته اید: " شایع است این آقای کاتوزیان همان کسی است که گویا در او خردوران شاه در طرحی که ساواک جهت شناسائی دانشجویان مبارز در انگلستان طراحی نموده و آنرا تحت پوشش بظا هر تحقیقاتی پیش میبرد دست داشته است". حقیقت این است که در او اواخر سال ۱۹۶۶ میلادی سرپرست دانشجویان ایرانی در انگلستان که از آشنایان زمان دانشجویی بنده بود با تلقین از من خواهن کرد که برای انجام يك تجربه و تحلیل آماری يك استاد کار با و معرفی کنم. موضوع این تحقیق يك بررسی کلی از موقعیت علمی دانشجویان ایرانی در انگلستان بود، اینکه مثلا چند درصد آنان در دانشگاهها یا مدارس علمی تحصیل میکنند، یا چند درصد آماده در دوره لیسانس یا دکتری هستند، یا چند درصد آنان مهندسی مکانیک یا پزشکی، یا علوم اجتماعی میخوانند. اینجانب نیز به دلایلی که در سطور زیر خواهد آمد به همکاران دانشگاهی خود آقای با زلفسکی رجوع کردم و با و گفتم که در صورت تمایل به انجام چنین کار با سرپرستی دانشجویان تماس بگیرد. دلایلی که به آن اشاره کردم از قرار زیر بود:

۱- موضوع تحقیق يك بررسی کلی بود و به نام و نشان و سایر خصوصیات دانشجویان ابدار تباطی نداشت.

۲- تا آنجا که به صرف نام و نشان دانشجویان مربوط میشد خود سرپرستی قطعا اطلاعات کافی در این باره داشت، چون در آن زمان اکثریت قریب به اتفاق آنان از سرپرستی ما میهنان لیبره انگلیسی کمک هزینه تحصیلی می گرفتند،

اما در هر حال موضوع تحقیق این بود.

۳- برای يك استاد کار انگلیسی ممکن نبود که از طریق مکاتبه با مقامات دانشگاههای انگلستان اطلاعاتی درباره آنرا و عقاید سیاسی دانشجویان ایرانی کسب کند.

۴- همه میدانستند که سازمان امنیت دانشجویان مبارز را از طریق فرستادن مامور به دانشگاهها و سازمانهای دانشجویی شناسائی میکند.

۵- من میدانستم که سرپرست دانشجویان در انگلستان در فهرست سازمان امنیت نیست بلکه - چه در ایران و چه در انگلستان - به رافت و دلجویی نسبت به عموم دانشجویان شهرت داشت.

۶- آقای دکتر با زلفسکی عضو حزب کمونیست انگلستان نبود و هنوز هم هست، وی از ماهیت سیاسی رژیم ایران بخوبی آگاه بود.

باری، از قضا اتفاق آقای دکتر با زلفسکی اندکی پس از این آهنگ مهاجرت از انگلستان کرد و تحقیق مزبور را - که هنوز آغاز نکرده بود - به ابتکار خود بيك استاد کار دیگر به نام آقای دکتر هیل واگذار کرد تا گرمیل داشت آنرا دنبال کند. آقای دکتر هیل (که عضو یکی از بزرگترین سازمانهای تروتسکیست انگلستان بود) ظاهرا پس از تماس با سرپرستی دانشجویان این کار را پذیرفته بود. در او اواخر سال ۱۹۶۶ در حالیکه بنده برای مدت يك سال بعنوان استاد مدعو در يك دانشگاه کانادایی تدریس میکردم خبری در روزنامه گاردین انگلستان در این باره منتشر شد که از آن چنین بر میآید که من در ابتدا انجام این کار را شخصاً پذیرفته و سپس به آقایان دکتر با زلفسکی و دکتر هیل تحویل داده بودم. چون چنین چیزی اصلا واقعبینانه نداشت و گذشته از آن در جویایسی آن زمان شایعاتی از این قبیل ایجا دایهام میکردند ما ی به روزنامه گاردین نوشتیم و جریان را به تفصیل تشریح کردیم؛ اما روزنامه مزبور - که برای حفظ اعتبار خود - جز چند سطر از نامه را منتشر ساخت. در نتیجه تصمیم گرفتم که همه موجودیت مالی خود را خواهد ام را در خطر ناسودی قرار دهم و روزنامه گاردین را بعنوان مغفتری تثبیت کنم. این کار انجام شد و چند ماه بعد روزنامه گاردین بساز برداخت همه هزینه عواید بنده، در شماره دهم نوامبر ۱۹۶۸ (در صفحه ۳) رسماً از بنده عذرخواهی کرد.

البته من میدانم که شما به دلایل دیگری این افترا را به من بسته اید که پاره ای از آن را به شیوه خاص خودتان در آن مقاله ذکر کرده اید. یکی دیگر از آن دلایل شاید محاصبه ای باشد که اخیرا بخت فارسی را دیو بی سی سی با اینجانب (بمناسبت سالروز سیام خرداد) انجام داد. در آن محاصبه در برابر این سئوال که دلیل عدم توفیق قیام سیام خرداد و فعالیت های بعدی آن در سرنگون ساختن رژیم چه بوده، گفتم که بنظر من دلیل اصلی این بود که مجاهدین با اینکه سازمان منظم و فعالین زیادی داشتند با بگانه اجتماعی نداشتند. سئوال دیگری که کردند این بود که آیا در حال حاضر نیرویی وجود دارد که رژیم حاکم را سرنگون کند. در پاسخ گفتم که خیر، واقعبینانه موجود چنین چیزی را نمیرساند. اگر شما از این اظهارات خشمگین شده اید البته مختارید اما من فقط لازم به تذکر میدانم که بنده این نظرات را نه برای بدگوشی از شما و دیگران بلکه بعنوان يك اظهار نظر عینی عرض داشتم.

در جمهوری ایران مجازات اعدام وجود ندارد

(از برنامه جبهه ملی ایران در اروپا)

بقیه از صفحه ۱

کدام قانون اساسی؟ کدام سلطنت مشروطه؟

پس چه باید کرد؟

فلا اشاره کردم باید همه قبول کنیم که ایران در شرایط فعلی و پس از سقوط رژیم جمهوری اسلامی تا زمان تأسیس مجلس موسسان و تصویب قانون اساسی جدید دارای یک نظام خاص سیاسی نخواهد بود و نمیتواند هم دارای نظام خاص باشد. ایران در دوره انتقال فقط یک "مجلس شورای ملی موقت" و "یک حکومت موقت" لازم خواهد داشت. مناسبترین اقدام - اقدام مامن استقرار "تفاهم و وحدت ملی" تأسیس فوری "مجمع امنای ملت" یا "کنگره ملی" خواهد بود که در نقش "مجلس شورای ملی موقت" نخست وزیر موقت را انتخاب کند.

کنگره ملی یا مجمع امنای ملت مرکب خواهد بود از:
۱ - اعضای ارگان براندازی رژیم جمهوری اسلامی و نهاد های همکار آن .

۲ - نمایندگان کلیه احزاب ، سازمانها ، گروهها ، اتحادیه ها ، کانونها ، جمعیتها بدون استثنا .

۳ - نمایندگان اقوام و عشایر .

۴ - نمایندگان نیروهای مسلح متکی بر مردم .

۵ - نمایندگان اقلیتها ی مذهبی

۶ - شخصیتها ی ملی و معتمد عمومی اعم از زن و مرد شامل عناصر علمی و فنی - ماحبان تخصصی و تجربه در امور سیاسی ، اقتصادی ، قضائی ، نظامی ، فرهنگی و اجتماعی ، از بین دانشگاهیان ، فرهنگیان ، نویسندگان حقوقدانان ، پزشکان ، مهندسیان ، بازرگانان ، اصناف ، پیشه وران ، کارگران و کشاورزان .

ترتیب دعوت کنگره

دعوت به کنگره وسیله نیروی براندازنده رژیم جمهوری اسلامی با همکاری چند نفر از شخصیتها و معتمدین طراز اول سیاسی ، قضائی ، دانشگاهی ، مذهبی ، اقتصادی ، نظامی ، مطبوعاتی ، اجتماعی و فرهنگی که در نیکنامی و بینظری معروف عموم هستند سرینا و در روزهای اول بعد از سقوط رژیم حاکم بعمل خواهد آمد (تقریباً به همان روش و کیفیتی که رهبران انقلاب مشروطیت ایران پس از پیروزی بر استبداد بآن عمل نمودند) . در اولین اجلاس کنگره دعوت از افراد دیگر به مفتت شخصی یا به نمایندگی از گروهها به پیشنهاد هریک از اعضا و تصویب کنگره مانعی نخواهد داشت . رئیس موقت و منشی موقت کنگره ملی ایران به ترتیب مسن ترین و جوان ترین عضو هیئت معتمدین دعوت کننده اعضای کنگره خواهد نمود . رئیس کنگره از نمایندگان سیاسی کشورهای خارج و نمایندگان مطبوعات و رسانه های گروهی دعوت

در ادامه بی مناسبت تمیذام اضافه کنم که عده ای از همکاران سیاسی شما در شورای ملی مقاومت و از جمله آقایان دکتر نامریا کدامن ، هدایت اله متین دفتری و دکتر منوچهر هزارخانی ، از سابق سیاسی و علمی ، و اخلاقی و رفتار و مبارزات و اعتقادات سیاسی بنده دقیقاً اطلاع دارند و لابد به هر شکلی که صلاح میدانند تحقیق امر را به اطلاع عموم خواهند رسانند .
با تقدیم احترامات
هما یون کا توزیان

خواهد نمود در مراسم افتتاح کنگره حضور بهم رسانند .
لـزوم درهای باز کنگره :

درهای کنگره نباید به روی هیچ یک از جمعیتها ی ایرانی اعم از چپ و راست و اعم از سیاسی و غیر سیاسی (صفی و حرفه ای) اعم از کوچک و بزرگ بسته باشد تا خود را مطرود پشت در احساس نکنند بخصومت و جنجال و ستیز برنخیزد دیگران را به اخلاص تحریک نکند . باید همه عقیده ها و بنفص ها از هر گروهی در یکجا و زیر یک سقف خانوادگی گنوده شود و به این تدبیر و ترتیب نظا هرات خیابانی خونست بار و نفاق انگیز و نگران کننده در کشوری پریشان با مردمی بسیار خسته و تشنه آرامش - بطور طبیعی موقوف و به اجتماع ممالمت آمیز در تالار کنگره ملی - و بحضور در محل فرستنده های رادیو و تلویزیون میدل گردد . مشاجرات و درگیریهای احتمالی را در چنانا مجموعی هرا اندازه هم شدید باشد باید در کمال "مودت" و "برادری" تحمل و حتی نجویز نمود زیرا که بدون تردید : " جنگ اول به از صلح آخر است . " اگر کسانی از بیم درگیریها یا به عذر آن با تشکیل یک مجلس موقت موافق نباشند طبعاً از تشکیل مجلس موسسان یا مجلس شورای ملی نیز که حاصل انتخابات آزاد ملی باشد بیمناک خواهند بود زیرا در یک مجلس منصوب مردم اکثریت واقعی و اقلیت واقعی وجود خواهد داشت که باید وجود داشته باشد افزایی با نقطه نظرها و عقاید کاملاً متضاد و مغایر به حکم مصالح ملی در کنار هم خواهند نشست که باید بنشینند . مبارزات پارلمانی به اوج خواهد رسید که باید برسد . تا دموکراسی رفته رفته به اوج و شمرختی مورد توقع ملت ایـرـان برسد .

در شرایطی که یک شخصیت ممتاز بعنوان سمبول ملی نظیر دکتر محمد ممدق ، گاندی ، شهرو ، دوکل و یک سازمان ممتاز سیاسی و قابل قبول اکثریت مردم بعنوان سازمان سمبول ملی (مانند جبهه ملی ایران در برسد و تأسیس آن) و یا مانند فراکسیون نهضت ملی ایران در مجلس شورای ملی وجود ندارد باید به تأسیس انجمنی ، کانونی مجموعه ای همت گماشت مجموعه ای که بتواند جای خالی آن شخصیت و آن سازمان سمبول ملی را پر کند : مجموعه ای از معتمدین مردم که هر کدام از اعتبار و نیروی معنوی ملی به صفت فردی یا به صفت نمایندگی حزب و سازمان و گروه سهم قابل توجه دارد . غلبه بر گروهی از مفاشب و دریا ش از مشکلات ایران بدون همکاری و همگامی عمومی و بدون تفاهم ملی که منحصر از طریق تأسیس مجلس امنای ملت (کنگره ملی) قابل تأمین خواهد بود ، محال است .

وظایف مجمع امنای ملت (کنگره ملی) یعنی مجلس شورای ملی موقت ، انتخاب هیئت رئیسه کنگره انتخاب یک نفر بعنوان نخست وزیر برای تشکیل دولت

انتقادی موقت

همکاری با دولت موقت در تهیه و تدوین برنامه کار آن . تصویب مقررات اضطراری و قربتی که " حالت فوق العاده " ایران به تشخیص کنگره با دولت موقت وضع و اجرای آنها را ایجاد کند و تصویب آئین نامه انتخابات مجلس موسسان . نظارت در اعمال دولت موقت با حق عزل نخست وزیر و انتخاب جانشین او . همکاری با دولت موقت در حل مشکلات ناشیه از مقررات

و قوانین موضوعه رژیم جمهوری اسلامی . نظارت عالی در انتخابات مجلس موسسان به منظور تأمین صحت و آزادی کامل آن ، تأمین حق استفاده نمایندگان تمام احزاب و سازمانها و گروهها ، و منفردین اروپا ، ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون که متعلق به عموم است) کنگره میتواند بمنظور تسریع و تسهیل انجام امور کشور و طایف خود را بین کمیسیون های مختلف با تفویض اختیارات فوق العاده تقسیم یا به یک هیئت نام الاختیار محمول نماید .

تشکیل شورای انتقال قدرت حکومت به مردم

صورت " دولت انتقالی " که تحت نظر نخست وزیر موقت منتخب کنگره ملی با جلب نظر و همکاری اعضای کنگره ، اداره موقت مملکت را تا تصویب و اجرای قانون اساسی برعهده خواهد داشت ، بمدت یکسال (قابل تمدید برای ششماه تا یکسال دیگر) .

ترکیب هیئت دولت موقت به مفهوم واقعی "ائتلاف" باید با انتخاب اعضای آن از بین نمایندگان کنگره یا خارج از آن ، به نوعی باشد که نشانه " وحدت ملی " و مظهر آن شمار آید و مردم با حضور نمایندگان خود در آن احساس مشارکت و مسئولین نمایند و موجبات تحقق " رکن تفاهم ملی " که مامن نظم آرامش و امنیت خواهد بود فراهم گردد . نخست وزیر ، هیئت دولت را برای اخذ رای اعتماد به کنگره ملی معرفی خواهد نمود .

اهم وظایف دولت موقت

شهره در فاصله سقوط رژیم تا تشکیل مجلس امنای ملت و انتخاب نخست وزیر نیروی براندازنده رژیم تصدی امور مملکت را موقتاً برعهده خواهد گرفت . اداره موقت کشور طبق برنامه های شامل امور قسوری و حیاتی هربتی از لحاظ داخلی و خارجی (طرح برنامه جداگانه بنیشنهاد میشود) .
بقیه در صفحه ۶

پیام آقای دکتر مدنی به

هفتمین کنگره ج.م.ا. در اروپا

بمنوان یکی از پیشگامان جبهه ملی ایران و رهروان راه ممدق دروسمین تا مام که در تاریخ ۶۰/۲/۱ منتشر نشاد اول عقاید خویش را منعکس نمودم که سرلوحه ای چنین داشت ... حرکتی در مسیر جمهوری مردمی ملی با اعتقاد با حول راستین انقلاب و احترام بدین آنهم با توجه به فرزندان روز بودن و پیروی همه جانبه از منشا اعتدال و برابری حقوق همه نیروهای ایرانی فارغ از نژاد و رنگ و نژاد و مذهب و برخورداری از حکومت قانونی بسا خمیر مایه ای از انضباط ملی و قاطعیت مردمی که امنیت و آزادی را بدنبال آورده و چرخهای اقتصاد مولد و پدیدآور کشور را برینیا در فامه بویژه شکر کم توان بچرخش اندازد و در مجموع بیانگر همبستگی و یک پارچگی مردم ایران در همه ستوه با شوق فرهنگ ملت را استواری بخشد شکل گرفته و در روابط بین المللی و سیاست بیرون مرزی نیز از عدم تعهد و عدم وابستگی آرایش پذیرفته و هرگونه سلفه جوشی و سوداگری را محکوم گر دانیده است و این همان مکتبسی است که سالها پیش از این نادروان دکتر ممدق این اصول را بنیاد دنیا دومنهم مومن بهمان مکتبم ... اینک نیز

اغلام میدارم که همچنان بر همان راهم و مومن بهمان اصول و در عین با پایداری در با و رهای خویش بهر نظر میگه اکثریت ملت ایران آگاهانه و آزادانه روی آوردن سر فرود خواهم آورد . فرصت را مناسب میدانم که از تلاشهای سازنده سازمان جبهه ملی ایران در اروپا که پاسدار راه ممدق است قدردانی نموده و تشکرات خود را تقدیم دارم .
باش تا صاحب دولتت بدیدم این هنوز از نتایج حرارت با آرزوی پیروزی ملت ایران
دردا در دکتر احمد مدنی

در هر مملکتی که اقلیت آزاد نباشد در مجلس صحبت بکنند آن مملکت به هیچ وجه ترقی نمیکند .

اقلیت باید حرفهای خود را بزند و مردم قضاوت بکنند .

بچه‌ها متشکریم

درحالیکه سازمان مجاهدین خلق در فرمتهای گوناگونی که داشت و از جمله در رابطه با نامه های آقای دکتر مدنی به مقامات جمهوری اسلامی ماهیت توتالیتر و ترور و ترنکر نک بعدی و همه ویا هیچ خود را پیش از بقدرت رسیدن بر ملا ساخته و جای هیچگونه شك و تردیدی در مورد خود نگذاشته است که :

۱ - این سازمان تنها خود را ملاک و معیار سنجش درستیی و یا نادرستی هر پدیده اجتماعی میدانند و تنها شاخص میزان حق و باطل در آنجا را این سازمان بلکه عین خود است !!!

۲ - حق اتخاذ هرگونه موضع سیاسی در برابر مسائل ایران و جهان تنها و تنها و در دست و بگوشه ای مطلق و بسته تمامی از آن این سازمان و منحصراتمعلق به مجاهدین خلق میباشد !!!

۳ - همه حقیقت هر موجودی را می پدید می آید، هر مقوله فکری و ایدئولوژیکی، هر مفهوم سیاسی و اجتماعی به این سازمان الهام شده و بدست ویا مغز رهبران آن کشف گردیده است و بنا بر این تمامی مشروعیت و حقانیت در مورد هر چیزی قابل تصور از آن این سازمان و لامحاله متعلق به اینها است !!!

۴ - همچنین ملاک و معیار رفتار و در خدمت و خیانت شخصیتها ی سیاسی و اجتماعی ایرانی به ملک و ملت خود تنها در اختیار سازمان مجاهدین میباشد و تنها این سازمان است که قدرت تشخیص دارد و فقط این سازمان به مثابه دادگاه خلق است که صلاحیت دارد حکم کند که چه کسی خادم به ملت است و چه کسی خائن !!! اینک توجیه و برداشتهای اینان از دین اسلام و مذهب شیعه تنها توجیه صحیح از این دین و مذهب میباشد و اسلام راستین به این برگزیدگان خدا الهام شده است ، اینکه توجیه و برداشتهای آنان از مارکسیسم تنها توجیه صحیح از این ایدئولوژی میباشد ، و اینکه مجوسی از مارکسیسم اینان با اسلامان آمیخته تا یکمشت لفاظی و پرگوشی های دیگر تنها تئوری انقلاب و تنها مکتب رها یی بخت مردم ایران میباشد پس راجه بسیار از اینان شنیده و خوانده ایم ، ما نمیتوانیم به آسانی از کنار آنچه اینها رها کرده اند بگذریم ، کرده و شیرینی بال و دمی که نام شورای ملی و مقاومت بر خورنده ها است اما مزای آن گذاشته است ، گذشت ما در این نوشته میخواهیم در مورد مسائل زیرین به بحث بنشینیم ، بطور مقدمه بایستی گفته شود که در این نوشته بیهوده نه به بررسی محتوای بحث انگیز نامه ها میپردازیم و نه آنچه در این رابطه میتوان بعنوان هدف و استراتژی و یا تاکتیک مطرح کرد ، چرا که بحث این وظیفه نویسنده نامه ها است که اگر مایل باشند و لازم بداند به سئوالات بسیاری که در این رابطه مطرح شده و میشود پاسخ گوید و روشنگری نماید ، و از آن به بعد است که میتوان به تجزیه و تحلیل و یا لایحه رد یا قبول نظرات و مواضع اتخاذ شده و شیوه کاری که انجام گرفته است پرداخت .

ولی بهر حال ما در نوشته دیگری نظر کلی خود را در مورد آنچه مدتی است بظن زیر عنوان " استخاله مطرح شده است خواهیم گفت و موضع خود را در مورد " براندازی مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی" بگونه ای گسترده بیان خواهیم داشت . اما آنچه پس از بیان مقدمه بالا به ترتیب مطرح میکنیم بشرح زیر است :

یکم - انتشار این نامه ها روشن ساخت که سازمان مجاهدین خلق همانند تمامی سازمانهای مخوف تروریستی و وحشتناکی که در طول تاریخ خود را غ داریم مانند سازمان حسن صباح و همین سازمان ساواک و ساوا و آنچه از سازمانهای پلیس مخفی فاشیستهای آلمان و استالینیستی اتحاد شوروی شنیده ایم ، از یک سیستم جاسوسی فعالی برخوردار است و در سهاشی که از ک.م.ب. آموخته اند بخیلی بین میدهند . اینان در دستگاه جمهوری اسلامی آنچه در بالاترین سطوح آن جاسوایی دارند کسبه خصوصیترین اسناد محرمانه را میتوانستند بدست آورند . به عبارت دیگر سیستم جاسوسی این سازمان وقتی بتواند از حصار فرمانروایان جمهوری اسلامی بگذرد چه آسمان خواهد توانست در فردای بقدرت رسیدن برخلاف تن مریض قران که دستور " لاتجسس" میدهد ، زندگی یکایک افراد این ملت را در تمامی شئون آن زیر ذره بین سازمان جاسوسی

خود قرار دهد . همه جا برای ما سوراخ کنترول حضور داشته باشد و چون تحت و تحارعی را که شاه بر سر این مرز و بوم زین نام ساواک گسترانید و خمینی فقط نام آنرا به ما و ما شنیدیم داد و خرازان بار بر شدت آن افزود همچنان ندادیم و هیچگونه حریم شخصی و خصوصی برای افراد ملت فاشل نشاد که برای حق انستلطف و حاکمیت طرز تفکر های تک بعدی و توتالیتر بدون آنکه قابل استنسا کترین باشند .

دوم - سازمانیکه بارهای بارها توسط بمواد حقوق بشر از رژیم خمینی به مراجع جهانی شکایت برده است به آسانی این اصل حقوق بشر را که صیانت و پاسداری از حریم شخصیت انسانها در حفظ ماندن مراللات و تکراف و تلفیق از دستبرد هر کس و هر مقام دیگر با شذیر پریا میگذارد و یا آنکه در بالای نامه ها " خصوصی است " و یا " خصوصی - محرمانه " قید شده است بجا ب آنها اقدام کرده است . بایستی از این بشارت دهندگان بهت - نظام دموکراتیک اسلامی - در ایران فردا پرسیده که اسلام و نظام دموکراتیک شما مرز و حد حالت خود را در زندگی خصوصی این مردم سلازمه تا کجا گسترش میدهد و آستانه حریم امنیت " خویشتن خویش " این مردم بنظر شما از کجا شروع میشود . و بالاخره مانده های ملت در فردای بقدرت رسیدن شما از چه مرز و حدی به بعد " در امان " هستیم . شما هم که مانند رژیم شاه و خمینی قایل به دستبرد و کنترول مراللات و نامه های مردم هستید ، ما از شما در کمین نشنگان کم سن و سال و بی تجربه متشکریم که همین اول کار مفت خود را باز کردید و برداشت خود را از حریم شخصیت انسانی به همگان شناساندید و روشن کردید که شما محدودهای نامحرم و خصوصی شخصی برای انسانها قائل نیستید و خود مرزی نمیشناسید و کسی را از شما آسان نیست . با اینکه ممکن است گفته شود که این نامه ها چون با سرنوشت خلق سروکار دارد و احتمال داشت یک سلسله بندوستهای سیاسی پی آمد این نامه ها باشد لازم بود که افشا شوند و به اطلاع آحاد مردم برسند و نمیتوان خصوصی و محرمانه بودن نامه ها را مورد نظر قرار داد ، ما به این " ان ملت " شما هم توجه داریم و تنها باین اشاره میکنیم که مذاکرات و فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در همه جهان از یک آستانه ای به بالاتر مبتنی بر یک سلسله سن و مراسم و مراحل است که شما بروجبه های تازه دوران رسیده که جز جلاحه و خون و تیروفتنگ چیز دیگری بیاد نگرفته اید از فرهنگ آن بی اطلاعید . از باب مثال در مذاکرات طلع ویتنام که ماها با به پای نبردهای سنگینی که در زمین هوای ویتنام وجود داشت له دکتر هنری کینجر با هم مذاکره میکردند کسی کینجر را متهم به کمونیت بودن کرد و هم صحبتی و بریک میسر نشتن او با مردی از رهبران رژیم کمونیستی ویتنام شمالی بحثا به پذیرفتن مرام کمونیستی ویا صحه گذاشتن و پذیرفتن مشروعیت و حقانیت رژیمها یوسی تلقی گردید . له دکتر هم نه کینجر را از یک سیاستمدار مرجع آمریکائی تطهیر کرد و نه هم صحبتی و هم نشینی او با کینجر حقانیت و مشروعیتی برای امیریا لیس آمریکا بوجود آورد . فراموش نکنیم که این مذاکرات ماها در شرایطی انجام گرفت و به شمر رسید که هر روز صدها و صدها مردوز ویتنامی با اسلحه های کینجر نما شنده اش بود کشته میشدند و روزانه ده ها تن بمب تا بال بمب بر فراز شهرها و روستا ها و مزارع و جنگلهای ویتنام فرود می آمد . متقابلا نیز ده ها و صدها آمریکائی بدست رژیمی که همین آقای له دکتر در تصمیم گیریهای آن نقش عمده داشت هر روز بخاک و خون کشیده میشدند .

سوم - واقعیت این است که هم بخش عمده ای از رژیم خمینی مخصوصا محمد خمینی و سه برادر اخمهای ، علمی رئیس جمهور ، حسین نخست وزیر و محمد نما بنده مجلس ، شیدا از این اقدام آقای مدنی بوخت افتادند و هم اقدام مجاهدین بجا ب نامه ها نشانگر این حقیقت است که رهبران این سازمان تا چه حد دچار ترلزول هستند و این مدعیان " تنها آلترناتیو حکومت خمینی " تا چه حد اوج گرفتن جریان ملی و ملیون در میان توده های مردم ، خود را باخته اند و دست و پای خود را گم کرده اند بیکباره بیضمان میترکد و تا جراته در اعلامیه بدون تاریخی که در رابطه با نشست ۲۳ مرداد ۱۳۴۲ با شما شورای ملی مقاومت منتشر میکنند قرار میکنند که این مسئله آنقدر اهمیت داشته که بخاطر آن " جلسه فوق العاده " راه انداخته اند و بالاخره در بند اینگونه اقدام می دهند " ... هر چند نخستین هدف این قبیل موضعگیریها متلاشی کردن شورای ملی مقاومت میباشد " ... بایستی

از اینها پرسید ، نکند ومع مجاهدین و شورا آنقدر ترق و لبق شده باشند که حتی چند نامه هم در مظان آن قرار گیرند و این امکان را برای خود منظور نماید که بتواند متلاشی کردن شورا را نخستین هدف خود قرار دهد . آنوقت با جاب و افشا کردن نامه ها ادامه دادن نقش حزب توده را به عهده گیرند و جریان ملی و عمده ترین شخصیتی ملیون را بحال خود خرد کنند اگر حزب توده دبیروز موفق شد و عزمه آنرا داشت که دکتر ممدق و جبهه ملی را تضعیف کند شما توده ایهای دیروزی که امروز در شورای ملی مقاومت اسلام آورده و با مجاهدین و تنی چند از ملی های سابق دوره جمع شده اید نیز خواهید توانست با اعلامیه های اینجانبی خود خصیصه های ملی و جریان ملی که بیشتر از یکصد سال سابقه تاریخی دارد و همیشه در متن مبارزات ملت ایران علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی قرار داشته و دارم تضعیف نما شید . ما ملیون از این چیزها زیاد دیده ایم لازم به تذکرات که طبق ملی و شخصیتها یسین طیف وسیعی است که گرایشها و نقطه نظرها و دیدگاه ها و راه حلها ی گوناگونی دارد و بیهوده اینجنین نیست که هرگونه اقدام و هر روشی و شیوه ای که بک یا تنی چند از این شخصیتها اتخاذ کرده و در پیش گرفت مورد پذیرش همه دیگران هم باشد . وجه بسیار که با استنفا دو مخالفت یکدیگر که حق دموکراتیک هر ایرانی است ما ملیون با یکدیگر برخورد نمیکنیم . بدون آنکه به شخصیت یکدیگر و تجاوز کنیم و به استنفا دو حق مخالفت با نقطه نظرها یسین و های تاکتیکی و استراتژیکی هم جنبه شخصی ندیم و مخالفت با نظرو فکر و عقیده و رد آنرا ما یی با مخالفت با شخصیت و در شخصیت طرف مخالفان تلقی کنیم . چه رسد به اینکه در رابطه با اتخاذ موضعی و یا اقدام یکساری صلاحیت و صداقت شخصیتی از ملیون را که در موازین مختلف امتحان خود را داده و ثابت نموده است که هدفی جز دفاع از منافع و مصالح ملت ندارد ، مورد سؤال قرار دهیم . تک ما حادین و شورای ملی و ملت و متشان در رابطه با این نامه ها چاق و تکفیر برگرفته و تنها به قاضی رفته و اینجنین سینه چاک کرده اند که " ... طعنا هرگونه موسیقی یا فانیستی را که در خدمت حفظ و تحکیم این رژیم ارتجاعی باشد و شمه تحول پذیری و قابلیت اصلاح آنرا القا کند هم دستی با ضد انقلاب حاکم و تلافی مذبحا نه برای تضعیف روحیه مقاومت و در نتیجه خیانت به عالیترین مصالح مردم ایران و آرمانهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ای آنها از بیایی میکند " شورای ملی مقاومت صحابه ها و نامه های فوق الذکر را مصادق چنین تلاشی میشناسد " ... عبارات دیگر شورای ملی مقاومت حکم میکند که صحابه ها و نامه های آقایان دکتر مدنی و بنی صدر خیانت به عالیترین مصالح مردم ایران و آرمانهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه آنها میباشد . در رابطه با آنچه در مقدمه این اعلامیه و بند آن آمده است میگوئیم که

چهارم - گویا از دیدگاه سازمان مجاهدین فقط یک موضع صحیح در مورد هر مسئله سیاسی و اجتماعی که در صدد عین حقیقت هم هست وجود دارد و آن در هر مقطع زمانی عینا همان چیزی است که دلخواه مجاهدین میباشد . بعنوان مثال تا روزیکه اینها خمینی را رهبران انقلاب و پیدرو حانی میدانند که چون با امیریا لیس آمریکا در افتاده است نباید او را تضعیف کرد و جدا کنجا راجه استنفا داد او داده میشود . وای بحال کسیکه با خمینی در افتاد . دیدیم که در جریان یورش حزب الهی ها به روزنامه آبندگاه و به جبهه دموکراتیک ملی و مسئله خلق مسلمان و درگیری در با یحان و درگیریهای گنبد و بندر انزلی و سایر ای اول درگیری کردستان که بدست وزیر فرما ندهی همین آقای بنی صدر انجام میگرفت ، چگونه مجاهدین امام امام گریبان نشستند و تا کردند . و سختگیریهای خمینی و پاسداران را با دیگر نیروهای اوبوسیون نادیده گرفتند . تا روز ۲۰ خرداد دکدائی که نویبت به آنها رسید که چون از این پس آقایان موضع خود را عوض کردند حقیقت هم عوض شد . امام و رهبران انقلاب مبدل به دجال گردیدند و تنها راه حقیقت در مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی خلاصه شد . و از این پس وای بحال کسیکه جز مبارزه مسلحانه علیه رژیم خمینی بجز دیگری بیاندیشد تا چه رسد به اینکه کامپاشی هم در این زمینه بردارد .

در این مرحله بعد از اسم خرداد روابط آقایان رجوی و بنی صدر چنان حسنه گردید که با یکدیگر ایران را ترک کردند . کار مبتنا و ویرانه آنها بقدری بلا گرفت که بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

بقیه از صفحه ۴

بچه‌ها متشکریم

" و بدخلون فی دین الله افواج " جنجال بپاکرد. کار بجائی رسیدکه پس از پایان چهار سال که رئیس مجمهور منتخب دیگر ادعائی نداشت مدرا عظم دست بردار نبود. تا اینکه مسئله استخاله کارزاجدائی کشانیدونامه به خمینی هم مهر " خیانت به عالیترین مصالح مردم ایران " را به پیمانی بنی صدکوبید. آقای بنی صدرتساروزی خادم بملکت بودکه درخدمت مسعودرجوی قرار داشت بساد مرحوم منورلوشی چها دم بحیرکه میگفت کشورمن هتم. حالا هم مسعودخان درپارسی لوشی چهاردم نشسته ومیگوید حق من هتم هرکسی موضعی جزموضع من داشته باشد خاشی است ونیز همینگونه قضاوت را ازاین سازمان و رهبر آن در رابطه با مقامات دولتی عراق می بینیم. تسا روزیکه عراقیها روی خوش به مجاهدین نشان نداده بودند هرگونه ارتباطی باآبان وازجمله ارتباط دکتر بختیار وارزشیهای شاه باآنها ممنوع وخیانت است. اما همین که طارق عزیز نماینده دولت صدامبرائی عراق که مخارج شاپوربختیار و دارودستوارشرا میدهدتامین مخارج سازمان مجاهدین را نیزبسیهده میگردد آنوقت همکاری با دولت صدام متجاوز وخونخوار خدمت بایران وایرانی میشودو ازاین پس حتی میشودبطارق عزیز اعلامیه مادرکرد که اینچنین است وشیوه قضاوت یک بام ودو هوای آقایان کوشی بمانند وسطشان که حقیقتی ایزکتوسیروای جهان قائل نیستندوهرچه هست راهمان میدانندکه شخص انسان وسویکت میبیندوهمه چیزتنها بطورسویکتیووجودذهنی موجودیت داردوبسی. برای سازمان مجاهدین نیزحقیقت، وواقعیتی جزآنچه ایشان می بینندومواضعی جزآنچه ایشان اتخاذ میکنندوجودندارد. با اینهمه مشکل دراینجا است که آقایان چون اریبیراموضع عوض میکنند. بنی صدر همکار بازگان وشورای انقلاب اول کارلبیرال وبدات. بعد که باخمینی ورجائی درمی تاختوخ میشودوپا اومیتوان میثاق بست. بار دگرکه غلبه مبارزه مسلحانه ویکوت مجاهدین درموردتجاوزعراق موضع میگرددبازیدوخاشن به مصالح عالیه مردم ایران میشود. اینرا بسیار درارویا وقرآنسه وحدافل آنها که باآقایان نزیه ودکترمردنی ودکترجراح سیدجوادی ارتباط نزدیک دارندمیدانند که ماه ها فرستادگان آقای رجوی تا به حدالتماس ازآقایان میخواستندکه شورای ملی مقاومت بییوندنداما وقتی همه فشارهایی اثرماندودریا تدمدکه راه ملیسیون ازراه شورای ملی مقاومت ومجاهدین جدات گستاخانه بایستی شخصیتهای ملی تاختندوحتی آقای دکترلاهیجی هم که در بسیاری محاکمات مجاهدین وکیل مدافع ایشان بودازنظر تعرضان مصون نماندواورا نیزبسررمیز وکیل دموکراسی نشانیدند! وجه هرزه درآنها که نکردند. زیرا آنها که هنوز شمارا رتجائی ودورا فتاده وغیرعلمی وغیرمنطقی " هرکه با ما نیست الزما دشمن ماست" را محورقضاوت خود قرار میدهندجراهی جزاتخاذموضعگری را دیگال ندارند. پنجم- همه بحث ما دراین قسمت بندا اعلامیه شورای ملی مقاومت بیشترروی حکم ومقوله " خیانت به عالیترین مصالح مردم ایران" میباشد که ازسوی شورای ملی مقاومت طادرشده است. مقوله " خیانت به عالیترین مصالح مردم بک کشور" بالاترین حدجرم اجتماعی وبدترین منفورترین خیانتی است که درسطح کشورممکن است درمورد هموطنان روا دارد. بهمین جهت هم این خیانت شدیدترین مجازاتها را درپی میآورد. هنوزم دراکثرکشورها اعدام، واگرمولادرکشوری مجازات اعدام بطورکلی تحریم شده باشد. حبس ابدهمراه باسلب شرافت انسانی، محکومیتی است که باآن خیانتکاربه مصالح ملت را سزا میدهند. خیانت بمصالح مردم کشوری نه فقط ازنظرحقوقی وقضائی درسطح ملی وبرای اتباع خاش همان کشوربلکه درسطح بین المللی ودرمورد اتباع بیگانه وحتی کوردیبلما تیک بخشی ازمشکلتترین وغامضترین موافقانونی وقضائی را دربر میگردد. اعدام جاسوسان بیگانه مقیم کشورکه برای دولت متبوع خودجاسوسی میکنندوباجاسوسان بومی که درخدمت بیگانگان قرارگرفته اند، واقعیتی است که هرروزدراین گوشه وآنگوشه جهان باجرا درمی آید. دادگاه نورنبرگ درآلمان دادگاه هائی که پس ازپایان جنگ جهانی دوم در فرانسه وایتالیا وزاین تشکیل گردید وتعداد زیادی ازجنگ افروزان این کشورهارا بجرم خیانت بمصالح مردم

بقیه در صفحه ۷

کدام قانون اساسی؟ کدام...

همکاری با هیئت های کارشناس امور سیاسی، اقتصادی، قضائی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و هیئت تدوین قانون اساسی.

تهیه طرح مقررات فوری و اضطراری با اقتضای حالت فوق العاده خصوصا درمورد استقرار نظم و آرامش و امنیت و طرح اصلاحات اداری و اجرائی و پیشنهاد آنها به کنگره ملی.

تدارک اداری و حقوقی و فنی انتخابات مجلس موسان، تعیین و ابلاغ تاریخ انجام آن، ترغیب مردم به شرکت آگاهانه در انتخابات، تامین حقوق استفاده نمایندگان گروهها و منفردین از وسائل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) و تامین آزادی نظرات و اجتماعات آرام انتخابات طبق برنامه ای که با جلب نظر نمایندگان احزاب و گروهها و سازمانها تهیه خواهد شد.

تهیه لایحه قانون اساسی شامل هدف "استقرار حاکمیت و اقتدار ملی" با جلب همکاری نمایندگان احزاب و گروهها و سندیکاها و خلق های ایرانی و شخصیت های معتمد مردم اعم از زن و مرد. دولت ائتلافی موقت برای حفظ بیطرفی خود در انتخابات مجلس موسان، انشاء فصل مربوط بشکل نظام کشوردقانون اساسی را، به مجلس موسان محسول خواهد نمود.

تشکیل هیئت نظارت انتخابات مجلس موسان

هیئت نظارت انتخابات برای سراسر کشور به پیشنهاد دولت ائتلافی موقت و تصویب کنگره، مرکب از شخصیت های مورد اعتماد عمومی و بیطرف نسبت بشکل نظام آینده ایران خواهد شد.

نحوه انجام انتخابات مجلس موسان

انتخابات مجلس موسان با تعطیل رسمی یكروز برای این مقصود بعمل خواهد آمد. دولت ائتلافی موقت به منظور تامین اطمینان خاطر بیشتر مردم نسبت به صحت جریان انتخابات و مصونیت کامل آن از هرگونه مداخله و اعمال نفوذ از نمایندگان موسسات بین المللی (از قبیل اتحادیه جهانی حقوق بشر، اتحادیه جهانی وکلا اتحادیه بین المللی حقوقدانان و نظایر آنها). هم چنین از محافل مطبوعاتی دنیا دعوت خواهد نمود که درمدت انجام انتخابات مجلس موسان و استخراج نتیجه آن درایران حضور داشته باشند و از مشهودات خود مردم جهان را مطلع سازند.

مجلس موسان کفیل مجلس شورای ملی

مجلس موسان بعداز تصویب قانون اساسی و اجرای آن تا زمان انجام انتخابات مجلس شورای ملی و افتتاح آن بعنوان کفیل مجلس شورای ملی انجام وظیفه آنرا نیز بر عهده خواهد گرفت.

ترتیب اداره کشور در دوره موقت

سازمان اداری و مالی و قضائی و اجرائی کشور در دوره تصدی دولت موقت و تا تصویب و اجرای قانون اساسی، وزارتخانه ها و موسسات دولتی قبل از انقلاب طبق قوانین و مقررات مربوطه (با استثنای قوانین و مقررات ناظر برسلطنت و قوانین و مقررات منافی حقوق ملت ایران) خواهد بود که علما اجرا میشد. تغییرات

مقتضی و لازم در تشکیلات دولتی اعم از تشکیلات رژیم سابق و لاحق، انحلال یا ادغام آنها، همچنین التماس تغییر یا اصلاح قوانین و مقررات اجرائی هر موسسه دولتی و تجدیدنظر درحدود وظایف و نحوه کار آن، از طریق وضع مقررات لازم و اضطراری به پیشنهاد دولت ائتلافی موقت و تصویب مجمع امنای ملت (کنگره ملی) بعمل خواهد آمد.

تامین و تضمین حقوق ملت ایران

به منظور تامین و تضمین حقوق مردم ایران موقتا و تا زمان تصویب و اجرای قانون اساسی، اسناد زیر ملاک عمل خواهد بود:

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر با ميثاق ها و موافقت نامه های بین المللی ناظر بر آن.

۲- " منشور حقوق ملت ایران " که توسط کنگره ملی با الهام از نيات پایه گزاران مشروطیت ایرانی مبنی بر استقرار نظام حاکمیت و اقتدار ملی تدوین و تصویب گردیده برای اجرا به دولت ائتلافی موقت ابلاغ خواهد شد.

سوکند نخست وزیر

نخست وزیر دولت ائتلافی موقت در اولین اجلاس کنگره ملی که با حضور نمایندگان سیاسی کشورهای خارج در ایران و نمایندگان مطبوعات و رسانه های گروهی جهان منعقد خواهد گردید، بشرح زیرتدوین یاد خواهد کرد.

" من نخست وزیر دولت ائتلافی موقت که ماموریت اداره امور مملکت را طبق تصمیم کنگره ملی ایران تا زمان تشکیل مجلس موسان و تصویب و اجرای قانون اساسی برعهده خواهم داشت در پیشگاه خداوند قادر و متعال و ملت ایران قسم یاد میکنم که صیانت از حقوق حقه مردم را، خصوصا درمورد تامین آزادیهای سیاسی، تساوی حقوق فردی و اجتماعی، مصونیت های قضائی ونیز تامین آزادی کامل انتخابات مجلس موسان، اولیسن و بزرگترین وظیفه خود بدانم و تعهد میکنم با الهام از روح برفتوح جان باخگان انقلاب مشروطیت ایران که هدف اولیه آن تاسیس مجلس شورای ملی برای استقرار نظام حاکمیت و اقتدار ملی بود و طبق اصول و موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و ميثاق های آن و نیز به موجب منشور " حقوق ملت ایران " مصوب کنگره ملی به این وظیفه اجتناب ناپذیر ملی در کمال صداقت وامانت و از خودگذشتگی عمل نمایم. شرف من وثیقه این تعهد و سوگند است که آنرا امضا کرده وسیله کنگره ملی به ملت فرزانه و گرانمایه ایران، ملت مدافع حق و آزادی بشر تقدیم میکنم.

نخست وزیر دولت ائتلافی موقت

مناسب میدانم اضافه نمایم که حرکت ملت ایران سوی دگرگونیهای اساسی و تحقق حاکمیت ملی، با انقلاب به ظاهر اسلامی متوقف گردیده ولی پایان نگرفته است. استیلا ویرانگر خمینی مماثلت سگین و خوتین بسیار برای مردم و مملکت بیاورد ولی این نتیجه بسیار حیاتی را هم دربرداشت که تجربه های ارزشدهای را در امور و مسائل آینده به ملت مضم و بپاخسته ایران آموخت تا باریکتر دستخوش هیجان، احساسات، غفلت ها و زود باوری ها نشوند.

باید با عزم راسخ به راه حاکمیت ملی ادامه داد، باید از غلبه " ناامیدی و یاس"، " بی تفاوتی و

جای زنان ملی در کنار مردان ملی خالی است

دروغ بتاریخ، داوری تاریخ

منظور از مقدمه فوق آنست که به نویسنده عضو شورای دفتر اطلاعاتی و مسئول بخش سیاسی اجتماعی و منظور بدریبر! بگویم که خوشبختانه و بسا به اعتبار شما همد غیر قابل انکار، واقعیت بگونه‌ای نیست که ایشان آترارم رقم زده‌اند. بشرح رویدادسیام تیر ۱۳۵۸ میپردازم تا تاریخ داشتیم، بشرح وقایع کمکی بزوشن شدن بخشی از تاریخ مردم ایران و روشنگر این حوادث باشد.

ایشان نیز از طرف جبهه ملی ایران تقریباً از فروردین ماه ۵۸ ماموریت یافتیم که بعنوان مسئول تدارکات اقدامات لازم را برای برگزاری مراسم بزرگداشت سیام تیر بعمل آوریم. در این مدت با اکثر گروهها و شخصتهای ملی و سیاسی تماس گرفتیم و برای محل برگزاری میدان بهارستان در نظر گرفته شد. چون باعتبار سنت دیرینه جبهه ملی کلیه مراسم، بزرگداشت و سخنرانیهای آن سازمان در میدان بهارستان و در مقابل مجلس شورای ملی برگزار میشد، انتخاب این محل میتوانست خاطرات نطقهای دکتر حسین فاطمی و سایر رهبران جبهه ملی را در یادمان زنده کند. جبهه ملی طی اعلامیه‌ای از عموم طبقات و اقشار اجتماعی دعوت بعمل آورد که در این روز در میدان بهارستان گردهم آیند. این اعلامیه حدود یکماه قبل از تاریخ مقرر در تهران پخش شد و متعاقب آن حضرت آیت الله زنجانی که نقش پراهمیتی در سیام تیر ۱۳۳۱ در سیاحت مردم برای پشتیبانی از حکومت ملی دکتر مصدق داشت و در آن زمان نیز طی اعلامیه‌ای از مردم دعوت کرده بود که برای حکومت ملی دست به نظرات بزنند، ایشان نیز از مردم خواست که در مراسم سیام تیر شرکت کنند. در اینجا اشاره باین مطلب ضرورست که ایشان از تاراج در روحا نبوی بودند که از همان ابتدا بر سرش زنت خمینی بی برده و او را موردی تا حال ح میداند و مخالف جدی رژیم ملایان و دخالست مذهب در اداره امور مملکتی بود.

پس از پخش دعوتنامه جبهه ملی، بعضی از افراد و گروههای سیاسی به تکاپو افتادند تا بگونه‌ای از انجام متینک جبهه ملی درسیام تیر جلوگیری بعمل آورند. علاوه بر آن حزب الله نیز از کارنه نشسته روزانه طی تلفتهای پی در پی تهدیدیه خرابکاری و بیهم زدن متینک و انفجار محل سخنرانی می نمود.

بطور کلی جبهه ملی از دوشوخت فشار رفتار گرفته بود. اول توسط افراد واسطه های گروهها که نزد ما می آمدند و به بهانه حفظ وحدت و جلوگیری از بروز اختلاف ما را از برگزاری این متینک بر خذر میداشتند. البته پاسخ ما باین گونه افراد روشن بود ما بعد تجربه دریا فتمیم که حفظ وحدت برای دستجات مذهبی - سیاسی وسیله ای برای قدرت طلسمی و بیرون کردن احزاب و گروهها و دستجات سیاسی مخالف است. ما بگونه که میدانیم جنبشی که با انقلاب ۵۷ انجام شد تا برای خواسته های سیاسی و توسط افراد و گروهها و دستجات سیاسی آغاز شده و بسطت عظمت ارگانهای سرکوب شاه و تجربه شکستهای تلخ گذشته، تا کنون گروه های مذهبی - سیاسی برای یخته کردن شعار خود بیه جنبش تحت لوای جلوگیری از اختلاف نظر و بروز شکاف در صفوف آن موثر افتاد دور همی نهفت را بدست کسی انداخت که

گوشه گیری "، " رخت و رکود" در افکار و روحیات جلوگیری نمود، باید با تامین تمام امکانات سیاسی و رزمی و تبلیغاتی علیه دشمنان داخل ایران جنگیده و باید هماهنگی و همبستگی مردم دنیا را، ملتها را، بشر دوستان را برای نجات ملت ایران، ملت حاضر فرهنگ و تمدن و فضایل و افتخارات کهن بیاری طلبید.

ما میتوانیم و باید " اراده ملی" را برای " حل ملی" مسائل و مشکلات داخلی و خارجی کشورمان با تفاهم و وحدت ملی بر کرسی نشانیم، ما میتوانیم و باید بمواقع سرشار از امید و شور و شوق گذشته برای ساختن ایرانی آزاد و آباد، مستقل و سرفراز مومن از فساد و استبداد بگردیم. عزم بیروزی فامن پیروز است.

توانستند گروههای مخالف را یکی بعد از دیگری حذف کنند. ما که در جریان انقلاب با پوست و گوشت خود او اثرات شوم این تا کنونک را لمس کردیم دیگر حاضر نبودیم از موضع خود سبک قدم آورده و میدان را در اختیار این نیروها قرار دهیم. باین علت تا بنها فتمیم که ما دارای اختلاف نظریا شما بوده و این را با صدای بلند مردم خواهیم گفت. ما با دلم زنده با آیت الله زنجانی بمن میگفت: مگر شما چه میخواهید بگوئید که هر روز عده ای اینجا می آیند و شما میخواهند که دعوت خود را از مردم پس بگیرد؟ چه اتفاقی افتاده است که شما اینهمه دشمن پیدا کرده اید؟

من تعجب میکنم که چگونه مقاله " اطلاعاتی و سیام تیر" را با داشتن وسع قلبیتهای زبانه در دفتر آیت الله طالقانی از این جریانات و تملها سیی اطلاع بوده و اطلاق از متینک جبهه ملی نبرخبرنداشته است!

اما مطلب مهمی که از قلم نویسنده افتاده است طرح این پرسش است که کدام نیرو و جریان سیاسی ملاحظیت دعوت از مردم و برگزاری متینک سیام تیر را داشت؟ روشن است هر جریان سیاسی با مثنی ویژه خود که در طول تاریخ عامل حکومتی شده است، صرف نظر از درستی و یا نادرستی مثنی، محق است که آن حرکت را تحلیل کند. مثلا ما که از نظر فکری قرائتی با جنبش چریکی و آشوب مسلحانه نداریم، نمیتوانیم برای برگزاری رکنندگان مدیق بزرگداشت سیا هکل با تئیم. مسلما سازمانها شت هستند که هم نام و هم مدعی ادامه راه چریکهای فدائی خلق بوده و مسحق در برگزاری بزرگداشت سیا هکل هستند. بر همین سبب نظرات سیام تیر که از طرف جبهه ملی ایران و شخصیت های ملی فرا خوانده شد مردم در آن نظرات با تئیم با پشتیبانی از دولت مدق بلوغ سیاسی خود را مضمظه ظهور رسانده و تا سبکی خود را در امر برخورداری از آزادی و حقوق شهروندی و اصولی دموکراسی نشان دادند. بخشی از تاریخ جبهه ملی و ملت ایران است که جبهه ملی از آن به مانند مردمک چشم دفاع خواهد کرد.

طبیعی است با اعتبار قرائت مثنی جبهه با خواسته های نظرات سیام، این حق بلا مانع جبهه ملی ایران است که بزرگداشت این روز تاریخی را تدارک ببیند. جبهه ملی برای متینک سیام تیر که دکتر صدیقی و تیرگوشور حکومت مدق، حکومتی که مردم برای بازگشت آن حمانه سیام تیر را آفرید، اضفرا رسامختگی جبهه ملی ایران که در آن روز تاریخی خراج بیت خواست شخص ملت را در سایه مبارزاتش ب مردم داد و بلا اخر م ابولفضل قاسمی را که کوله بار سنگین از نیم قرن مبارزه با استبداد استعمار داشت، را مورنیز مانند آقای پارسا در زندان رژیم سر میبرد، در نظر گرفت. این ترکیب از دعوت کنندگان و سخنرانان بد جهت صورت گرفتن جبهه ملی قصد داشت تا تجدید خاطره سیام تیر را بدیگر مردم را علیه غول فاشیسم مذهبی که صدای پای آن بگوش میرسد، بسخ کند و بیاری مردم که در آن نیروای تیر در کنار جبهه برای آزادی و دموکراسی بیاخته بودند، برای حفظ دستاوردهای انقلاب کشته شدت را معروض تعرض و تها و رفتار گرفته بود و رد عمل شود.

ما نمیتوانستیم برگزاری روز بزرگداشت را بجزاینتی بنام ستاد اگذازن کنیم که با اعتبار تاریخ در دسترس از خواسته های اساسی نظرات سیام تیر یعنی آزادی و دموکراسی نداشت و طی این مدت بخشی از افراد و سازمان های آن یا مدتها به تریح جمهوری اسلامی دخیل بستند و مرکز آزادی بشوق و سرور نشنند و پس از آنکه چشم انداز گرفتن قدرت تاریک شد با لاجبا از رژیم بریدن و بیا عبده دیگری که در مبارزه و خوشنامی ایشان شکی نبود ولی بسطت شطقات فکری شناخت درست از رژیم در آن مرحله ترسیده بودند. بهر حال به باور ما برای ستاد برگزاری رکننده که بسیاری از افراد و سازمانها سی آن دست در دست رژیم داشتند چیزی برای گفتن نبود جز آنکه قیام سیام تیر را نیز بیه گونه ای به روحانیت حاکم و شیخ و مرتجعین چون کاشانی ببینند... اگر اشتباه نکنم بکروز قبل از برگزاری مراسم بلندگوهای زبانی از طرف جبهه ملی ایران در محل متینک بلند شده و بیانش از نظریه و تیرا فرا دو ایسته به ستاد مشغول نصب بلندگوها و میکروفونها ای دیگری شدند. بعد از ظهر همان روز هنگامیکه مردم بتدریج در میدان بهارستان جمع شدند و این میدان از جمعیت لبریز شد، شعارهای جبهه ملی از آن تعداد بلندگوها ش که هنوز از طرف حزب الله قطع نشده بود در میدان بهارستان طنین افکند و انعکاس فوق العاده ای در جمعیت کرده و مردم یکصد به شعار دادند علیه استبداد و دیکتاتوری برداختند. در این هنگام حزب الهی ها دست بکار شده و با شعار دادند علیه

جبهه ملی برای کندن درب را لکن محل سخنرانی هجوم آوردند که با مقابله جانانه مردم روبرو گردیدند. جمعیت بقدری بود که قریا حزب الهی ها در میان شمارهای ضد دیکتاتوری مردم بی اثر میشدند. و در این هنگام دوستان عزیزمان آقای علی بابائی و شانه ای از طرف ستاد به مقرر برگزاری متینک آمدند و پس از گفتگوها زبانه دتوافق کردیم که ما پس از خواندن قطعه ما خود میمان در بهارستان را شریک کنیم. قطعه ما جبهه ملی ایران پس از صحبت کوناه ابولفضل قاسمی خوانده شد و با استقبال مردم مواجه گردید و پس ما بهارستان را ترک کردیم.

آنچه که در بالا آمد شرح کوتاه رویدادهای مربوط به سیام تیر ۱۳۵۸ بود در خاتمه این نوشته توضیح ایسن مطلب ضرورست که با فزاری جبهه ملی ایران در برگزاری بزرگداشت سیام تیر نتیجه تجربه گرانمایه ای است که جبهه ملی طی چندماه بعد از انقلاب بدست آورد. ما خود شاهد بودیم در بزرگداشت دکتر مصدق در ۱۴ اسفندماه ۵۷ پیش چشم ملیونها نقره تنه با باران صدق اجازه صحبت ندادند. بلکه با آوردن چند تنگنجی بی اطلاع از راه و رسم مبارزه دکتر مصدق که مبلغ انقلابیگری کاذب و جاده مافکن وزمین سازگستر حزب الله بودند، مانع استفاده اصولی از چنین تجمع وسیعی گردیدند. بیا ددارم که زنده بباد حضرت آیت الله طالقانی نیز از جوخامک شدت نگران بود و گفت من سعی کردم با ادامه سخن تا آنجا که در توانم بود از وقت سخنرانانی که شناختی از مصدق نداشتند بکاهم. کویا ایشان عین همین مطالب را با آقای علی بابائی نیز گفته اند. بزرگداشت ۱۴ اسفند که با حضور صد هزار نفر بر میزاد دکتر محمد مصدق برگزار شد، میتوانست در وحدت اصولی جریانات ملی برای حفظ دستاوردهای انقلابی و تفسیر میراث ویرانگری و انقلابیگری کاذب به بازسازی جامعه دربخته ای اقتصادی و فرهنگی موثر باشد. در ایسن صورت با وجود پشتیبانی چند صد هزار نفری مطمئنا جاشی برای ترک تازی سدی حزب الله نمیمانند، چرا که حزب الله را کاری با بازسازی نبود. بقیه اینجانبان احزاب انقلاب از همین جابینی عدم تفسیر میراث ویرانگری به بازسازی آغاز شد و جریانات ویرانگریها را های تند و بطا هرا انقلابی هر روز به تخریب دستاوردهای انقلاب پی برداختند.

بچه ها متشکریم

کشور خود به جویه دار آویخت نمونه های تاریخی دوران ما است. این داری ملی علیه متهمان بخیا نت بمسالح خلق در کشور های دموکرات با رعایت تمام موازین داری دموکراتیک انجام میگردد. بدینگونه که مدعی وانتهام زنده که دولت با دشکا ملا جدا از مقامات ملاحظیتا ر قضا شتی بوده و حتی هیچگونه دخالتی در امر داری ندارد. ایسن تنها فحاشتند که مسؤلیت داری را مطلقا وسی چون و چرا بعهده دارند و تفکیک قوای سه گانه قانوبگذاری و اجرایی و قضایی بطور کامل رعایت میشود. قضا در دنیا بیت استقلال به بررسی واداری میپردازد و بجهت بسا که حکم از سوی هیئت منصفه صادر میشود. متهم هم در حالیکه از کمک و دفاع وکلای متعدد خود برخوردار است میتواند برای اثبات بیگناهی خویش تا به عالیترین دادگاه های تجدیدنظر متوسل شود که خود مستلزم وقت و خرج بسیاری است که در برابر حفظ بای ساری و صیانت شرافت و حریم شخصیت انسانیت که مورد اتهام قرار گرفته است و بی اهمیت تلقی میشود. لازم بیاید آوری است که در این کشورها متهم بخیا نت بمسالح ملت تا مورد حکم نهایی زیر چتر امل برایش قرار دارد و از حمایت کلیه امکانات شخصی و دولتی و کشوری و اجتماعی و مردمی برخوردار است. هیچکس و هیچ مقامی هم حق ندارد و نمیتواند تنها پیش از صدور حکم نهایی، او را زیر عنوان - خاش - قرار دهد که اگر چنین کرد خود مرتکب جرم شده به مجازات خواهد رسید. که این است معنای در امان بودن و امنیت جانی و مالی و حیثیتی و عمری و ناموسی داشتن.

حالا تو خود بین که شفا و تاره از کجاست تا کجا؟ شورای ملی مقاومت در یک نشست و برخاست فوق العاده به روز ۲۳ مرداد ۶۳ در هاکار میکنند و با آنکه " آرمایه های آزادیخواهان " ملت ایران آقایان دکتر مدنی و بنی صدر آنرا تریا با مخاکه " بخیا نت بعالیترین مقام مردم ایران محکوم می نمایند. ما از شورای ملی مقاومت میبیریم که شما در کدام محکمه صالح که با حضور متهمان و وکلای آنان و دادستان و قضا متسفل و بیطرف تشکیل شده باشد پرونده بقیه در صفحه ۸

ملیون ایران متحد شوید

بچه‌ها متشکریم

آقایان را مطرح کردید و یادآوری کردید که شما در آن حد اکثر در مقام مفروض مدعی العموم و دادستان و مدافع منافع و مصالح ملت بقرصی که صلاحیت و مشروعیت آنرا به نمایندگانی از سوی ملت رسماً بدست می آورید نمیتوانستید ادعای خود را با ادله خود مطرح سازید. دادگاهی که در آن آقایان دکتر مدنی و بنی صدر هم یا وکلای خود او حیا یا حضور هیئت منصفه شرکت میکردند. و آنگاه که دوره های دادگاری در دادگاه های عالی و عالیتر تجدید نظر مراحل خود را طی میکرد و به حکم نهایی میرسد که به ادعای شما محکومیت آقایان بخیا نیت بوده باشد! اجازه دادید خبر آنرا منتشر سازید. شما چگونه بخود اجازه میدید اینگونه گستاخانه و اسلپانه با شخصیت مردم بازی کنید. از برویچه های بیسواد و کرم تجربه مجاهدان زرتشتی جاساه طلب آنها شایسته توهین و تحقیر نیست! شما در این مقام علمی و انسانی را بشادگرا ز آنها رعایت مراحل و شرایط را در دینی را خواستار توهین اما حالا که شما در اعلامیه خود به اسم آقایان دکتر مدنی و بنی صدر را بخیا نیت به عالیترین مصالح مردم ایران محکوم کرده اید بگذارید تا من هم به اسم شرط را مخاطب قرار دهم. شما آقای دکتر هداایت الله متین دفتری که حقوقدان برجسته ای هستید! که عضو کمیسیون دفاع از حقوق بشر ایران در زمان شاه بودید! چگونه میتوانستید وجدان انسانی و دانش حقوقی خود را با اینگونه محکومیتها تطبیق دهید، مگر شما توهین دکتر مصدق نیستید؟ مگر شما برای آزادی و برقراری یک سامان دموکراتیک و حاکمیت مردمی مبارزه نمیکنید؟ و شما آقای دکتر سلیمان قاسمیان و آقایان دکتر روستا و دکتر هزرا خانی! شما چگونه خود را انستای یک پروفسور قشایی فرار میدیدید بدون آنکه حتی کوچکترین قدمی برای اولیة تحقیق هم در این زمینه برداشته شده باشد؟ پس چه تفاوتی میان شاه که هر کس چیز دیگری جز او میگفت محکوم بود و خمینی که تنها راه خود را بر حرق میدان دودر چه جزا و است محکوم میکند و تنها میباید؟ بر استی که تا چه حد مفلوک و بی اثر شده اید.

خوشتره و با جای تاف در اینجا است که شما همین سند محکومیت فاشیتی خود مقله های آزادی و آزادیخواهی و دموکراتیک و حاکمیت ملی و مردمی را بکار میبرید بدون آنکه کوچکترین تگای آزادی داشته باشید. اینها گویا واژه های زیبایی است که لقلقه زبان شما شده است بدون آنکه توجیهی هم بحتوای آنها داشته باشید. برای ما بیان در این مورد روشن نماید که از "آرمانشاهی" آزادخواهان مردم" چه میفهمید؟ که در اعلامیه خود ستون و ستون خط دوم آنرا آورده اید؟ بگوئید از "استقلال" حاکمیت ملی و مردمی" در خط آخر همین ستون چه برداشتی دارید؟ و بالاخره روشن سازید که در چهار خط خردمندانه اعلامیه در آخر ستون سوم که میگوئید "خواهان اتحاد دهم" جریانات ترفیخواه مردم ایران برای سرنگونی رژیم خمینی و بازسازی ایرانی آزادی دموکراتیک و مستقل میباشد. از ترفیخواهی و آزادی و واژه دموکراتیک چه میفهمید؟ برای اینها است که ما ملیون از شما متشکریم. متشکریم که در طول زمان روشن ساختید که کیستید و بیا مسائل و پدیدها و اوضاع آنها و بخصوص با مخالفان خود چگونه برخورد میکنید. متشکریم که برای مردم ایران مشت خود را باز کردید. مردم ایران شاه و خمینی و شیوه حاکمیت و کشورداری آنها و ارزشی که سیستم و نظام حکومتی آنان برای آزادی و دموکراسی و حاکمیت مردم قائل بود بخوبی شناخته اند و از آنهمه تجربه تلخ و خونین محک و معیار بدست آورده اند و از این پس هر شخصیت و هر جریانی و سازمان مدعی آزادی و دموکراسی را با آن محک خواهند سنجید و گول نخواهند خورد. هر چند هم که مقله های پرکنشی چون اسلام و دموکراتیک و جمهوری و آزادی و استغفار حاکمیت ملی و مردمی از سوی خواستاران برقراری حاکمیت توانا لیتز و لطفه تک بعدی بیستی پای خلق ریخته شود که اینها دستان و بیستی نیستند که شاه و خمینی نیز بیست از ایشان به آنها توسل جستند.

شما ملیون این را حق دموکراتیک شما میدانیم که معتقد به راه حل صلحانه با شیوه مستقیم که هیچکس نمیتواند این راه حل را خیانته مصالح عالیه مردم ایوان بداند. و این حق شماست که نظام جمهوری دموکراتیک اسلامی را بهترین نوع نظام حکومتی ایران آینده بدانید اما این هم حق دیگر ایرانیان است که راه حل سیاسی

ایلات آنله و خوانندگان

جندت از دوستان ایرانی و افغانی ما طی نامه یکسره در ذیل چکیده ای از آنرا میخوانید بدینصورت خود در یک روزنامه و نشریات ملی اشاره کرده اند. ایران آزاد ضمن تقدیر از اقدام شایسته که کمک موشی در آشنا کردن ایرانیان با نقطه نظرات سازمانها و نشریات ملی است، امیدوار است که این نوع فعالیت در سایر شهرهای اروپا و آمریکا ادامه یابد. در شرایطی که نشریات و سازمانهای وابسته به بیگانه به کمک مالی و معنوی آنها از امکانات موش در تبلیغ مثنی و اهداف سیاسی خود سود میبرند، بسیار منطقی و بجای خواهد بود که افراد ملی و آزادیخواه که به تعداد فراوان در شهرهای اروپا و آمریکا سیر میبرند، هر یک در حد امکانات و امکانات خود نظیر آنچه دوستان ایرانی و افغانی ساکن آلمان غریب انجام داده اند، گامی موش در تبلیغ آرا و عقاید ملی و آزادیخواهانه بردارند.

دوستان عزیز! ما شتی چند ایرانی و افغانی بر آن شدیم تا در شرایطی که نشریات ملی و دموکرات فارسی از امکانات توزیع وسیع محرومند کاری کنیم تا این نشریات بدست فارسی زبانان شهر آخن برسد. بدینسان این تمیم با مدیریت کتا بقرونی آلمانی تمام گرفتیم ایشان قبول کردند ما برداشت بیست درصد بیا، نشریات فارسی را بفروش برسانند. لذا بدینوسیله به اطلاع شما دوستان عزیز میرسانیم تا در صورت تمایل نشریه خود را برای ما ارسال دارید تا پس از فروش بقیه آن تقدیم کرده. لطفا در ابتدا پیش از بنج شماره لغت سنجید چونکه هیچ تجربه ای در مورد میزان فروش نداریم.

با تشکر، جمعی از ایرانیان و افغانیهای ساکن آخن. آلمان غریبی



هموطی

اخیرا بعضی از سازمانهای با صلاح وابسته با بوزیسیون و مخالف رژیم خلیفه گری خمینی که در حقیقت کاری جز مخالفت و شایعه پراکنی علیه انقلابیون واقعی و یکبار گرفتن و انحراق افکار جوانان معصوم کشور ما را ندارند، نامه های دریا در دکترا احمد مدنی و آقای ابوالحسن نبی - صدر به مسئولان فعلی مملکت راجع و بگمان خود خواسته و تواتر شده اند که با ردیگری در راه مبارزات میهنی و حق طلبانه کثانی ببیند از آنکه راه نجات ایران را نه در دستکاری اجانب که در خود ایران و در زمین ایرانیان جستجو مینماید. این آقای نبی صدر را درست نمیشناسم

و غیر مسلحانه را بهترین راه حل بدانند و نظام حکومتی ایده آل خود را در جمهوری بدون هیچگونه پشونودیسونند جستجو کنند. با آنرا تنها در سلطنت مشروطه ببینند. جای تا سفاکت که با گذشت شش سال از انقلاب هنوز رادیکالیسم سراپای شما را فرا گرفته است. ما با همه احتیاط میکه به سلطوری و بنا روفدا کاری جوانان مجاهد میگذاریم و بدون آنکه تردید و شک در نوع دوستی و میهن پرستی شما داشته باشیم نهایت تا سفاکت خود را از این تند روی و تک نگرایی شما اظهار داشته آرزو میکنیم که شما سی نیروهای میهن پرست و آزادیخواه که هدفی جز استقلال و برافکندن ریشه های عقب ماندگی و استبداد و استعمار ندارند از آنجا که همه ما در برابر جها نخوان را خارجی و کارگران داخلی و بومی آنها هم برنوشته هستیم با احترام متقابل ببقایید و نظرات یکدیگر و با یکدیگر گفتگو کنید. شیوه های دموکراتیک و برخورد انسانی و ایرانی با هم و بدون درگیریهای فیزیکی با کار و کوشش مداوم به فهمیدن یکدیگر و یافتن هر چه بیشتر قدر مشترکها ایمان همت گماریم و بدون آنکه درهم ادغام شویم در محیط آرام و خالصی از تشنج برای مملکت کشور ما به بافتن راه جلپه های گوناگونی بپردازیم تا بتوانیم بدون تمصب بهترین آنها را برگزینیم و بکار بریندم. ما امیدواریم که حداکثر مخالف هم باشیم نه دشمن هم. که هرگونه دشمنی ما با هم تنها بسود بیگانگان است و

و تنها در جریان انقلاب با نام ایشان آشنا شدیم ولی بهر صورت دلیلی نداریم که مبارزه ایشان را علیه وضع موجود کشور محکوم کنیم. ولی در مورد دربار دارمندی، با تمام مبارزات چندین ساله ایشان آشنا هستیم و مگر چه از نزدیک با ایشان تماس نداشته ام ولی دوران مبارزات ایشان را از رژیم خود کامه پهلوی و تلاشهای ایشان را با سواد از انقلاب برای ساختن ایران آزاد با دیدیم، میبینیم و لمس میکنیم... من نامه های آقای مدنی را به مسئولان فعلی کشور خواندم فکر میکنم بهتر از این نمیشه نوشت و این خود نشان دهنده آنست که ایشان نه تنها از هیچ کوششی برای بهبود وضع کشور خوداری نمیشناسند بلکه امانت را به نجات ایران را در دست ایرانی و ایران میداند و این نهایت ارزشمنند است...

از پاریس،

بهن بهار



با احترام: با خواندن دو مقاله در روزنامه ایران آزاد یکی به نوشته آقای مدنی و دیگری به نوشته آقای حسن نریزه موجب گردید که این نامه را بنویسم. آنچه آقای نریزه راجع به قانون اساسی و سلطنت طلبان نوشته بودند اصل سخن بوده و انتقادی به آن روانست. ولی آنچه آقای مدنی نوشته بودند بیوزنه در مورد مذهب در ایران موجب تمجب گردیده. اصل سخن اینجا است که مردم ایران از قرن هفتم میلادی تا حال تحقیق نشده اند چون سخن بدرازا میکنند بطور قهرت و ارمطالاب را بیان میکنند... از شاه گرفته که او هم امام زمان را خواب دیده و از چگی با الله و امام در تماس بوده تا حزب خاش توده و مجاهدین خلق که از همان قماش خمینی هستند، همگی سخت مشغول تحقیق مردم بوده اند، آنچه که میخواهم در اینجا بیان اشاره کنم، اینست که ریشه فساد در ایران چیست؟ آیا دین و مذهبی که وارد زمین ایران شده است سرچشمه آن چه بوده و چرا حقایق مردم گفته نمیشود. چرا مردم ایران ندانند که نهضت دینی اسلام برای کسب زور و شروت و تحملات بوده است و تمام دعاها و غزوه ها برای کسب قدرت از طریق زور و ستم دین صورت پذیرفته است و اگر مردم ایران بدانند که اینجا حاکمیتی عاقل زور و پول که با هم سرآتش دعا داده اند و بالاخره یکی از آنها بیروز شده و با حق مردم ایران زمین را طی فرنیها تا مارت توهمات خود کشیده اند و با زست ایت توهمات خلاص شوند. مگر یکی از مهمترین عوامل سقوط دولت ملی دکتر مصدق همین مذهبیون و مردم تحقیق شده نبودند؟ با مردم ایران روشن شوند از شرایط توهمات که از قرن هفتم میلادی بوسیله تازیان برای ایرانیان به سوغات آورده شده و باعث بیسادی و فرهنگی و غارت کشورشان بدست غریب و یا شرقی و با بوسیله عوامل آنها که شادانی مانند محمد رضا شاه و خمینی بوده اند... خلاصه سخن آنکه مردم ایران با بدینست به مذهب تازی نموده و روی به فرهنگ ایرانی نمادورا فرود می، مازیار، بابک و قهرمان ملی دکتر مصدق را برگزینند. از سواد، دکتر ف. بهرامی

"اطلاعیه"

هیئت اجرائیه جنبه ملی ایران در اروپا سمیناری را در یازدهم نوامبر ۱۹۸۴ در لگن تدارک دیدند است. موضوع این سمینار "بحث پیرامون مسائل خادایران" خواهد بود که اوضاع سیاسی و اجتماعی موقعیت رژیم جمهوری اسلام و اختلافات درونی آن و همچنین چگونگی مبارزه ابوزیسیون ملی را علیه حکومت ملایان در بر میگیرد. ما از کلیه اعضا و هواداران سازمان و افراد شخصیتهای ملی دعوت میکنیم با شرکت خود در این سمینار به غنای مباحث مطرحه بیافزایند. هیئت اجرائیه ج م ایران در اروپا

ملت ایران صلح می خواهد

بقيه از صفحه ۱۰

از میان آنچه بصندوق پستی ما رسیده است

۳۲. ویدل و بخشها و مستمری دادنها بیش از فراموش کرده ایم؟ اکنون در زمان ضعف قدرت وعده های زیبا دی را میتوان از مشروطه خواهان شنید و چه بسا که لحن گفتار روزی بوسیله ظاهرا آنها گاهی هم انسان را شدیداً متاثر کند و قیاسه های حق بجانبان دوسه قطره اشک هم از آدم بگیرد، ولی بیهوش که فردای بقدرت رسیدن و صدکارگزار فرارگر رفتن آنها را هیچ تضمینی برنخیزد و پایداری آزادی و آزادی وحال و جان و مال مردم ایران نخواهد بود. چه همتی به خوبی میدانیم که: هر لحظه به رنگی بت عیار در آید، آریو سوزن



قسم حضرت عباس را با ورنکنیم یا دم خروس را

اولا جهت اطلاع کلیه علاقمندان بایستی عرض برسانم که بنده نه يك مسلمان هستم و نه يك کمونیست، بلکه يك ایرانی هستم که به مردم عشق میورزم و قلمم برای ایران می نهد. نامه های آقای دکتر مدنی را به خمینی و رفسنجی از پرده راه ۲۱۶ روزنامه مجاهد خواندم و بسیار متاثر شدم. واقعا که آقای دکتر، دست مریزاد! چطور شد که اهریمنان فعلا حاکم ناگهان تبدیل به انفرادی معتدل و انسان دوست شده اند؟

مگر آقای دریا دار مدنی از اعدام چهل هزار فرزندان این مرزوبوم و اسارت صدویست هزار زندانی سیاسی مطلع نیست؟ در زندان اوین با ساداران جمهوری با صلاح اسلامی بعد از ظلمت پرده در بند گلوله در بند یکی از مبارزان، به جای تبر خلاص سرنیزه در قلب او فرو میکنند.

در موردی دیگر هنگامیکه یکی از مبارزان در لحظات واپسین خود تقاضای يك لیوان میکند، با سادار در دهان وی ادرار میکند. هزاران نمونه دیگر از تجاوز ما مورین به دختران و زنان در بند موجود می باشد. این رژیم فدملی هر روز جان و مال و ناموس مردم تجاوز میکند. آیا آقای مدنی میباید در خمینی، رفسنجی و دیگر گردمداران جنایت پیشه حکومت ملایان از ارباب دین جابجایی بپذیرند؟!

اوشیروان شاپوریان



مشئول " صفحات خارج از کشور " نشریه مجاهد
این سیه فام که از بام وطن خاست
از ماست که بر ما است
وین شعله سوزان که بر ما مدجرب و راست
از ماست که بر ما است

نویننده مقاله " روزنامه فدملی جبهه در شرف تعطیل " مندرج در " صفحات خارج از کشور " (نشریه مجاهد شماره ۲۱۷) ضمن کوشش برای عرضه يك تجزیه و تحلیل سیاسی از یکی از مقالات شماره آخر نشریه " جبهه " مسائلی را در مورد شخص نویسنده آن مقاله مطرح کرده بود که نه فقط هیچگونه ارتباطی مستقیم و معقولی با غرض اصلی مقاله مزبور نداشت بلکه حفا نیت همان را نیز قابل شک و تردید مینمود. مقدمتا لازم به تاکید است که فدمبند به هیچوجه ورود به بحث و اظهار نظر در باره نشریه " جبهه " نیست، من وکیل مدافع نشریه مزبور نیستم و موضوع صحبت من اصلا ارتباطی با آن نشریه، با مقاله آقای کاتوریان در آن ندارد. در این نوشته منظوری و نهایی انتقاد به روش و شیوه برخورد شما با شخص نویسنده آن مقاله است. در مقاله مجاهدی پیش از ورود به مطلبی که ظاهرا موضوع اساسی آن مقاله میباید شده است که: " شایع است این آقای کاتوریان همان کسی است که گویا در او خردوران شاه در طرحی که ساواک جهت شناسایی دانشجویان مبارز در انگلستان طراحی نموده و آنرا تحت پوشش طرح تحقیقاتی پیش میبرد دست داشته است. " من حتی باینکه تاجه اندازه این " شایعه " درست یا نادرست است کاری ندارم چون با آشنائی که با کاتبها و جزوات علمی و سیاسی او دارم میدانم که اگر خود صلاح بداند در برابر افترائی که آن " شایعه " مبتوا تدبیرا زده باشد از خود دفاع کند. او که در نوشته هایش خود را

جامعه آزاد یخواهان سوسیالیست ایران

دیدگاههای جامعه آزاد یخواهان سوسیالیست ایران

۱ - هدف از یخواهان سوسیالیست ایران، استقرار انجمن نظامی است که در آن افراد همه بتوانند بر اساس عقول برابر در تصمیم گیریها و اختیاری شرکت نموده و به عنوان انسانهای فاضل ذات در جهت تمدن مرفه سپهر کشی اقتصادی و فرهنگی شمعش اختیاری کام بپردازند و بر این اساس نظام روزی نیرینه شریعت در بر سر آری عدالت و آزادی دست یابد. نیل به این هدف جز از طریق انتخاب آگاهانه اکثریت جامعه ممکن نیست و درگروشتا رکت روز افزون مزد موقوت گمراهن و سایر موملین نیست مایه و مومنی، درگردان ان سوسیالی، اختیاری و اختیاری است. این سنت کمتری نه از فلسفه تاریخ و بزه ای استخاط میگردد و نه تحقیق ان نیروی است که در واقعیت سرنوشته

نه فقط از هر خوان راه زنده یا دکتر ممدق، بلکه از ادامه دهندگان راه و رسم زنده یا دخلیل ملکی مغربی میکنند لایذ از حوادث زندگی سیاسی این مبارزان صدیق و شراقتمند نهضت ملی ایران با اندازه کافی عبرت گرفته است. و از جمله یکی این که اگر زنده یا دخلیل ملکی با واقعیت و وسعت بیشتری در برابر افترا ثات ولجن پراکنش های حزب توده از خود دفاع کرده بود احتمال داشت که بسی اعتباری آن حزب و سیاست " هر که با ما نیست بر ما است " زودتر و سریعتر بر سر ملا شود.

از این روست که نکته اصلی مورد استوالات و استخفا دهن نفس حاکم بر شیوه برخورد مقاله شما با شخص نویسنده است. و زیرا با خواندن آن بطور در نشریه مجاهد که اصولا با بد پیام آور ما هدین آزاد یخواه بوده و خاطره مبارزات ما دقانه و قهرمانانه هزاران مجاهد خون خفته را زنده نگاه داردا و لاین چیزی که بیاد ما افتاد در روزهای نخستین دستگیری محدر ما سعادت بود و شیوه متخذه از جانب دست اندر کاران رژیم حاکم برای استتار شما بیسته " جاسوسی " او. اگر شما بر استی باور دارید که آقای کاتوریان دستیار ساواک بوده چرا این خبر را با آراشه اسناد و مدارک محکم و غیر قابل تردید منتشر ناساختید؟ و اگر خود به چنین چیزی اعتقاد ندارید (که بگمان من هم بطور است) چرا آنرا بصورت " شایع است ... گویا ... منتشر میکنند و با این ترتیب خود را نسبت به آسرو و حیثیت شخصیت های مترقی سیاسی اعتنا جلوه میدهد؟ سلاوه، فرض کنیم که شما این " شایعه " باور دارید، آیا ایس بخودی خود دلیل بر این است که مقاله آقای کاتوریان در " جبهه " صحیح نیست؟ شما اگر با نظری اختلاف دارید به چه دلیل شما بآن فحش میدهید. مگر خدای ناخواستنه ظرفیت دلیل و برهان و منطق و استدلال شما پر شده است؟ شما که مبارزه قاطع و کوشش در جهت براندازی شیوه های " توده ایستی " را جزو مهم ترین مبارزات سیاسی خود قلمداد میکنید و در شماره های متعدد در نشریه مجاهد کسائی را که در برخورد با سازمان مجاهدین با این شیوه خادستی با زنده دیدن کوش کرده اید چگونه میتوانیید از تاثیرات اغیبا را که هم زنی و شایعه پراکنی بفرز هنگ سیاسی غالب در ایران غافل بماند؟

پس " توده ایسی " که سازمان مجاهدین ادعای مبارزه با آنرا میکنند چیست؟ مگر لجن پراکنی بوسیله تهمت و افترا و شایعه سازی و قلب حقیقت جزو شیوه های نبودند که حزب توده در برخورد با رقبای سیاسی خود بکار میبرد؟ مگر دکتر ممدق را جاسوس آمریکا نخواهند، مگر خلیل ملکی را نوکار انگلیس نام خواهند، مگر در زندان جناح و سه نفر بدکترانی تهمت لو دادند زندانیان را زنده اند؟ آیا هنوز هنگام آن نرسیده است که مبارزان دموکرات و پیشرو ایرانی بتوانند بدون پاره کردن یکدیگر با هم به بحث و گفتگو بنشینند و از حرف و سخن و راه و روش یکدیگر آتفا دکنند؟ اگر نه اینطور باشد باید گفت که حقیقتا " این قاعله تا به حشر لنگ است. "

" ده روز یک مدرسه گفتیم و شغفتم تا روز نختیم و امروز بدیدیم که آن جمله معماست از ماست که بر ما است " رنوئت: شریات - القبا، ایران آزاد (نشریه جبهه ملی ایران در اروپا)، پیام آزادی، علم و جامعه. آقبا ن، دکتر غلامحسین باقرزاده، دکترنا مرپا کداسن، مسعود جوی، دکتر محمد علی همایون کاتوریان، دکتر منوچهر هزارخانی، مسلم محمودی

۱ - ما ... مشاهده تحریر مبارزات اختیاری و طبعی انواع بهتر فرشته سرما به داری. در مقاطع کوتاه و بلند سین این گرایش است.

۲ - دمکراسی شهروندی شرط ضروری و ششده متکل گرفتن این گرایش در سرتما به های مختلف سازمانهای حزقیه ای سیاسی گوناگون و تقابل این برنا به ها در فضای آزادی عمومی است تا امکان بهگیری و تحقق آنها از طریق نهاد های دمکراتیک قابونگذاری، اجرائی و قضائی فراهم آید. آزاد یخواهان سوسیالیست ایران برای باورند که جزا آزادی و از طریق آزادی نواری جامعه بیشتر متساوی و فوهرنگی به ها بی انسان نخواهد دانست. آزادی در اجتماع از حاربا قبول نشود قفا بدون تافع بخش های گوناگون جامعه و شلور با زمانی آنها در اجزای و جنبش های سیاسی و نهاد های حرمندان ممکن نیست. بر این پایه ما دمکراسی پارلمانی را بدولت دمکراتیک با سانس ترسین متکل تحقق آزادیها و اختیاری و مان با داری آنها میدانیم.

۳ - در چنین دورانی دولت دمکراتیک - بسی مجموعه نهاد های قانونی که متعین شرکت برابر مردم در تصمیم گیریها و اختیاری و فعالیت آن در گردانیدن امور جامعه است - نه تنها ما نمی در برابر موملین کا رگری نیست، بلکه وسیله تصمیم و ششست مطالبات آن است. علمیتا دولت دمکراتیک تا جائی که بر شیوه تولید سرمایه داری استوار است، تا نگریستار حدودی تابع منطقی سرمایه و ضرورت های سازماندهائی است. ولی دولت در عین حال مدجور به مبارزات اختیاری و واقدا ما ش منتخ از توازن نیروها سیاسی جامعه است. از بدگاه استراتژیک محتوای دولت تا دمکراتیک زمینه آن تغییر کرده و بدولت موملنی از وساطت خمیرا است.

۴ - اساس سیاست ما بر دمکراتیک تولید کردن هر چه بیشتر دولت بسی ایجا دوگنترش معامع شهروندان در سطح کشور و در سطح مختلف فعالیت اجتماعی، کوشش در گنترش ملامت آنها و شرکت روز افزونشان در تصمیمات حزقی و کلی استوار است.

۵ - دمکراسی شهروندی در کارزارهای فردی و اختیاری. حق مالکیت را نیز با مسل میشود. ما بدتأ ششحق مالکیت برای همه افراد جامعه نوسمه ما لکت عمومی سرمایه داری نهضت و ناساخت و تراکم سرمایه در دست یک اقلیت، اکثریت با همه ارااد امکان شش محروم میسازد. اما بر داختن مالکیت عمومی سرمایه داری تا زمانی که سانس و اشکال واقعی با بگریزی آن در عین جامعه موجود نشا به ما است. فقط مالکیت خصوصی را بر داختن و مالکیت انجماری دولت را با بگریزی آن مسازد و در نتیجه استتار به معنی دقیق کلمه بسی نفی کنترل مولدین بر کارا ما می موش همان سرمایه داری است. تجربه بسا بی شک و بگریزی نشریه " سوسیالیسم واقعا مومد " نشان میدهد که اشکال معینی از نفی سرمایه، ششده استتاری دمکری را بدید آورده که چون اشکال پیش سرمایه داری تولید سرمایه داری استوار است. تا ساری تا بی از دم امکان مالکیت که ششده مومع سرمایه داری است از این طریق نه تنها ارسان ششده، بلکه آزادیها و حقوق اختیاری مزد مکران واقعا ی جامعه ششرا با نفی گردیده است. از استروا از یخواهان سوسیالیست. نفی مالکیت عمومی دولتی کردن آنرا از برای حل خاد سین مالکیت سرمایه داری و حقوق دمکراتیک افراد جامعه معنی میدهد. اشکال کنترل عمومی - و نه دولتی - تولید و نشی توان از قبل پیش بینی کرد. این اشکال در دنیا به تحقق اهداف اولیه و در نتیجه اغیبا نشی توان کرده اندکی فردی دست جمعی کارگران بدیده را میگرد.

بنظر ما با به شرایط واقعی شرکت کارگران و سایر مزد مکران جامعه را در گردانیدن تولید و فرام آوره، تعدیل حق و تصرف سرمایه دار و نتویش یعنی آزان به سندیگهای کارگری، تدوین قوانین کار، مبارزات سندیگا در برابر سرمایه داری اقتصادی دولت، تنظیم بهره سار، همگرادی و وفود گردانی مؤسسات اقتصادی و گنترش مالکیت های اختیاری " تعاونی ها، مالکیت سندیگا ها و تعاونیه ها، مالکیت بشفرا و رهسار شهرا رنها ... همه گام های ششده که نگان شرکت معنی کارگران را چه مستقیما و چه از طریق نهاد های منتخب خویش برگردانند تولید فرام میآوردند.

۵ - آزادیخواهان سوسیالیست بر آنند که بیشترا بن سیاست در گرو کوشش برای سازماندهائی کارگران و سایر مزد مکران جامعه است. بدون این سازماندهائی ایجا دو حکم مکرکی نیز که فلسفه مرکزی مبارزات سیاسی امروز است، امکان پذیر نخواهد بود. سزاگارا بن کوشش شکل خود ما و بر فراری به بنود با دمکراتیک از یخواهان سوسیالیست ایران میباشد.

این طرح در اواخر اول مهرماه ۱۳۴۳ به اتفاق آرا تصویب شد.

کمک مالی

خواهندگان گرامی

" ایران آزاد " برای ادامه انتشار خود به کمک مالی شما نیاز دارد. کمکهای مالی شما میتواند در انتشار منظم نشریه " ایران آزاد " موثر باشد. حق اشتراک یکساله " ایران آزاد " و مخارج ارسال پستی آن رویمه ۳۰ مارک آلمان غربی است.

با پرداخت سبهای نشریه و کمکهای مالی خود ما را در ادامه انتشار " ایران آزاد " ساری کنید.



من بام مقرر تا یک حمایت از رنجبر میکنم مقدم. من غیر از حمایت از این طبقه مرامی ندارم و نمی خواهم کارگر بقیع سرمایه دار زبون و بیچاره شود. بکتر صدق

I.N.F.

Postfach 450563

5000 Köln 41

W-Germany

ایران آزاد

Iran é Azad

از میان آنچه به صندوق

پیستی ما رسیده است

" تا سیه روی شود هر که در او غش باشد "

در شماره ۲۰۷ هفته نامه " ایران و جهان " متن مباحثه آقای رضا پهلوی با نشریه حریت چاپ ترکیه به چاپ رسیده که بررسی مطالب آن خالی از فایده نخواهد بود. این مباحثه نمایانگر بالاتر رفتن سطح زیرکی آقای رضا پهلوی نسبت به بیانیتهای، اعلامیهها و مصوبات پیشین ایشان میباشد. ایشان در پاسخ در مورد بیشتر مائلی که در حکومت مغرور و مطلوب ایشان در آینده صورت بپذیرد، بیشتر با حمله های " من پیشنهاد میکنم " و " من توصیه میکنم " شروع کردند، با وجود این نکاتی در پاسخهای ایشان وجود دارد که بروشن کردن نیاتی و رونموده دستهای کمک میکنند. همانطور که همه میدانند چندی است که گروهی پس از مدتها و در پی فرصتی که از ایزراکندگی اپوزیسیون و بی لیاقتی رژیم موجود فعلی در ایران برایشان حاصل شده بود، از آنروز بیرون آمده و با علم کردن پرچم مشروطه خواهی و سلطنت مشروطه و اینکه گوئی مردم ایران خواهان بازگشت مجدد سلطنت هستند، شروع به جنجال و تبلیغات برای خود نمودند. این ها با از اوان و انار دستگامه خود گشته هستند و با کسانیکند که به امید رسیدن به نواشی خود را به آنها ملحق کرده اند. مشروطه خواهان اعتقاد به پادشاهی مشروطه را مبنای کار خود قرار داده و مدعی هستند که در طرز ما مداری ایران سلطنت از حکومت جدا خواهد بود. ما در طرز بررسی خواهیم کرد تا این ادعا را بیشتر بشکافیم و حقانیت تاریخی آنرا دریا بیم.

در جریان انقلاب مشروطیت و هنگامیکه کار درگیری مچا هان نیز بر سر کردهای ستارخان و باقرخان با حکومت بلا گرفته بود پادشاه وقت قشونی را از پایتخت برای سرکوبی " شورشیان " بجانب تبریز گسیل داشت که در میان آن سرباز ساده ای نیز بنام رضا شمت تبر بچشم میخورد. رضا شمت تبر بعدها با عنوان رضا شاه و با باری اجانبی تخت سلطنت ایران نشست و از همان ابتدا سعی در محدود کردن اختیارات مردم نمود. وی که در سپاه استبداد دغلیه مشروطه خواهان جنگیده بود اینک و ارت مشروطیت شده و با تحریف آن بر محیطه قدرت شخصی خود افزود بطوریکه او که فرزندان او را نازی ساده بیش نبود هنگام مرگ املاک مزروعی وسیعی در سر تا سر ایران بخصوص در شمال در اختیار داشت و این گذشته از بقایه ها و خزاینی است که تصاحب کرده بود و اینها عملا او را به بزرگترین و با نفوذترین و قدرتمندترین زمیندار ایران مبدل نموده بود. بعدها نیز پیروی ببنوان محمد رضا شاه و با زهم با کمک خارجی و ابایدی داخلیش بر تخت سلطنت نشست و با یک زست سیاسی جالب بخشی از اهلکلی را که پدرش با زور و قلسدردی از دها قین گرفته بودند تحت عنوان اراضی سلطنتی؟ طی انقلاب سفید به ماحبان آنها مسترد نمود و لابود خود را هم کریم و بخشنده احسان کرد. او که پیمان وفاداری به مفاد انقلاب مشروطیت بسته و سوگند خورده است آنرا خورده بود، چنان با آوردن متمم های قانون اساسی اینها را از آنرا برهم ریخت که هر چیز میتوانستی خواندن جز قانون اساسی مشروطیت و برای کسانیکه اعتراضی به تجاوزات وی به قانون اساسی و حقوق و آزادیهای مردمی داشتند، ما زمان جهمی پلیس مخفی معروف به ساواک را بوجود آورد تا بتواند ازاد به به کارهای خلاف قانونش ادامه دهد. به هنگام مرگش او نیز مالک دارائی ناچیز ۵۵۵ میلیار ری دریا نکها و موسسات آمریکائی و اروپائی بود و اینها سوی مقادیری هستند که خواهان و برادران و دیگر اعضای دور و نزدیک خانواده وی از بیت المال مردم سرفرت برده و با طی معاملات غیرقانونی و قاچاق زوارا ارتشاء بچنگ آورده بودند. قصاد چنان در ارگاتها و سازمانهای سلطنتی کسرتن یافته بود که اثرات آنرا حتی در دورترین نقاط و دهات ایران لعی میتوانست نمود. بهمین جهت

جای زنان ملی در کنار

مردان ملی خالی است

" زنی که عقد دائمی شده با عدالتی بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و با بدخود را برای هر لذتی که او میخواهد تسلیم نماید بدون عذر موجه شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکنند و اگر اینها از شوهر طاعت کند، تهیه غذا لباس و منزل اولوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکنند چه توانائی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است. اشتباه نکنید! آنچه از نظرتان گذشت از احکام مآدره ۱۴۰۰ سال پیش در فاسل عرب نیست بلکه ۲۲۱۴ (احکام عقدا شعی) امام امت شهید پرور " خمینی است. این حکم و احکام ارتجاعی تر در ایران امروز ملک فقاوت و عمل هستند.

رسالت مبارزه با این احکام و قوانین و سنتهای ارتجاعی در درجه اول بعهده زنان آزادخواه ملی و دموکرات است. ما از شما ره آینده " ایران آزاد " چند ستون را برای زنان، مسائل و مبارزات آنها در نظر گرفته ایم و امیدواریم این اقدام ما با ارسال مقالات شما، اخبار و دیگر نوشته ها مورد استقبال قرار گیرد. هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران در اروپا



" در همه جهان کسی نیست که همچند " مهر " مینوی از خود خدا داد بهره مند باشد. در همه جهان کسی نیست که همچند " مهر " مینوی تیگزوش با هزار کار دانی آراسته، از نیروی نتوانی برخوردار باشد.

هر آنکس دروغ گوید (مهر) او را میببیند گام بیش میگردد " مهر " توانا پیش میروود نگاه ی روشن و زیبا و دور بین از چشمان خویش (بکران شاکران) می افتد؛ کد امین کس مرا خواهد ستود؟ کست آن که دروغ میگوید؟ کد امین کس مرا (به نیکی یا دمیکندو) می ستاید؟ کد امین کس به زشتی از من نام میبرد؟ به کد امین کس با بدشکوه و بزرگواری و تند رستی بختم؟ من که چنین کاری را توانم کرد. به کد امین کس با بدخواه دگانی بر از زده بیروم؟ (از اوستا نامه مینوی آئین زرتشت)

هنگامیکه قیام بر نامه ریزی شده ای از خارج از قوه به فعل در میآید، مردم ایران با جان و دل بدان پیوستند. اما در مورد سلطنت و حکومت مشروطه خواه بخوبی میدانند که سلطان فی النقصه در پی حکومت خواهد رفت و این امر است اجتنابنا پذیر. اگر هم عده ای در مقام مقایسه کشوری مانند ایران با ۷۵ درصد بیسواد سا کتورهای مانند انگلستان، هلند یا ژاپن و غیره بر میآید، باید گفت که زهی پندارنا در ست. پادشاه و با ملکه در چنین کشورهایی بر اثر گسترش فرهنگ سیاسی اجتماعیه توده و پیشرفت آفای آن، خود بخود جرات دست بازیدن حقوق و آزادیهای آنها را نمیکند. مشروطه خواه میدانند که جدائی سلطنت و حکومت از یکدیگر جز شمارائی توخالی و بوج چیز دیگری نمیتواند باشد. در مباحثه نشریه حریت با آقای رضا پهلوی خبرنگار پرسیده است؛ س: حکومت کردن، مسئله بسیار مشکل است، اینطور نیست؟ و آقای رضا پهلوی در پاسخ ضمن تأیید ضمنی بر حکومت آینده خود جواب داده اند: " وقتی ما به چهار ساله بودیم، احساس میکردم مسئولیت های بسیار سنگینتری در انتظار من است. فکر میکنم همه ولیعهدها نیز همین طور را داشتند. ولیعهدها هم انسان هستند اما مسئولیت سنگینتری روی شانست. های آنها قرار گرفته است.

منا هده کنید، آقای رضا پهلوی نه تنها حکومت کردن خویش را در آینده تکذیب نمیکند، بلکه با راحتی طوری جواب میدهند که گوئی حکومت کردن جامعه ای است که از اول برای قامت ایشان دوخته شده و لابد توقع هم دارند که ملت خود را به دیکار حسی کند زیرا که با چنین مسئولیت سنگینی را بر روی شانست. های او انداخته است. آقای رضا پهلوی امروز " پیشنهاد " و " توصیه " میکند و لسی فردا کسی را توانائی دسترسی بدیشان نیست. اینترا

پیام آقای قاسم لباسچی

به هفتمین کنفره جبهه ملی ایران در اروپا

همزمان و سروان عزیزم، تشکیل هفتمین کنفره جبهه ملی ایران در اروپا را بشما تبریک میگویم و امیدوارم که در اجرای مسئولیتی که ملت ایران برای دستیابی به آزادیهای بزرگه ممدق بشما محول کرده است، موفق باشید. امروز برای پیروزی بردشمن ملت ایران بیش از هر دوره به اتحاد نیروهای ملی نیاز داریم. این شما را به ملی و ممکن نجات ایران است. بگوئیم تا شرایط بهتری را برای اتحاد نیروها و تشخیمهای ملی و دموکراتیک و آزادیخواه و مستقل بوجود آوریم. بگوئیم تا با ادامه راه ممدق و تحت لوای جبهه ملی که بدست دکتر ممدق بنا شده است، در اجابت خواستهای ملت ایران یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، موفق گردیم. از دور دست همه شما را میبوسم.

پیروزی ملت ایران، پاینده با دایران

تاریخ ایران و خاندان پهلوی بکرات ثابت کرده است، در نظام جمهوری امکانات کنترل و عزل رئیس جمهور بمراتب بیشتر است. در شماره ۲۰۷ هفته نامه " ایران و جهان " حدود یک صفحه و نیم در مورد آقای ریچارد نیکسون رئیس جمهور پیشین آمریکا قلمفرسایی شده است. حتی به اذعان مشروطه خواهان در احتمال عزل ریاست جمهور در یک جمهوری آنتجانی در پی اثبات گناه و خطا شفا حسی وجود دارد ولی آیا در نظام سلطنتی انتقاد به شخص اول مملکت میباید؟

استقرار رژیم خمینی در ایران نتیجه سیاستهای غلط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی رژیم شاه است، زیرا که این رژیم در برطن نظام گذشته وجود آمده و عوامل و شرایط وجود آن در رشد کردن برای فرا هم رسوده، از اینرو فرزند خلف و بیحق آن میباشد. در عصر محمد شاه هم مخالفین شکجه، زندانی و تبعید و اعدام میشدند، تنزیل و تخفیف داده میشد. در عصر پهلوی سواستفاده از قدرت بشکلهای و خشتناکی صورت میگرفت، دهانها بسته میشد، قلمها شکسته، صاحبان مناصب همواره در پی سر کردن کیسه خود بودند و از صفام خود تکبیه گاه و پناه گاهای برای چپال مردم و غارت آنها به منی تمام کلمه ساخته بودند. برای نمونه آقای نیک پی شهردار تهران و ستایشگر شاهنشاه آریا مهر و شپا نورج، آقای علم وزیر دربار و همچنین آقای ولیمان نیابت تولیه آستان قدس رضوی را بخاطر آوردید. اینها به مثال از صاحبان متصان مختلف در عصر محمد شاه هستند که دره راستی و مختل فاداره امور به عهده آنها گذاشته شده بود، عمل آقای اردشیر زاهدی داماد سفیر محمدرضا شاه دروا شینگتن و فرزند تیمار زاهدی عامل آمریکا و کودتاچی ۲۸ مرداد بقیه در صفحه ۹

توضیح

از آنجاکه جبهه ملی ایران در اروپا در برگیرنده افراد، گروهها، دستجات و احزاب سیاسی با گرایشات سیاسی و عقیدتی گوناگون می باشد، لذا انعکاس نقطه نظرات مختلف در نشریه ایران آزاد بیانگر ماهیت جبهه ای سازمان بوده و نویسندگان مقالات پاسخگو و مسئول مفاد آنها می باشند.

حساب بانکی
I.N.F.
KONTO-Nr. 17 052 390
Bankleitzahl: 300 501 01
STADT-SPARKASSE
DÜSSELDORF